

## نقش و کارکرد گروه‌های پادسامانه‌ای (ضد سیستمی) در سامانه بازدارندگی غرب آسیا (کاربست دیدگاه غربی - امریکایی در تکوین نظم بومی منطقه‌ای)

بهرام عین‌الهی معصوم<sup>۱</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۰۱

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۰۷

### چکیده

نظریه بازدارندگی کلاسیک محدود به توضیح ثبات در روابط ابرقدرت‌های دارای همپایگی راهبردی در سطح جهانی است، اما این نظریه قادر به تبیین عملکرد بازدارندگی در مناطق پیچیده و آشوبناک نیست. به عبارتی، در دوران جنگ سرد سامانه بازدارندگی تنها در روابط ابرقدرت‌ها، در قالب بازدارندگی هسته‌ای عمل می‌کرد و به تبع آن انتقال تعارضات به مناطق پایین‌دستی، از جمله منطقه غرب آسیا را به دنبال داشت. اما پس از عصر جنگ سرد شاهد عملکرد سامانه بازدارندگی منطقه غرب آسیا، به عنوان یک نظم منطقه‌ای پیچیده و آشوب هستیم که در قالب نظریه بازدارندگی پیچیده قابل تبیین است. سامانه بازدارندگی پیچیده شامل زیرسامانه‌ها و کنش‌گران متعدد است و یکی از مهم‌ترین این کنش‌گران «گروه‌های پادسامانه‌ای» است که از نقش تعیین‌کننده‌ای در زیرسامانه‌های بازدارندگی در منطقه غرب آسیا برخوردارند. این بعد در ادبیات روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای مغفول مانده است. لذا سؤال پژوهش حاضر این است که نقش و کارکرد «گروه‌های پادسامانه‌ای» در سامانه بازدارندگی نظم منطقه‌ای غرب آسیا چیست؟ فرضیه این پژوهش این است که «گروه‌های پادسامانه‌ای»، موجب عملکرد سامانه بازدارندگی منطقه غرب آسیا، در شرایط عدم تقارن و ناهمجنسی قدرت می‌شوند. براین اساس، هدف پژوهش حاضر، ارائه مدلی نظری در زمینه نقش «گروه‌های پادسامانه‌ای» در سامانه بازدارندگی پیچیده، در جهت کمک به غنای ادبیات نظری روابط بین‌الملل است. این پژوهش با استفاده از روش علمی ساختاری - کارکردی ساماندهی و تدوین شده است.

### کلید واژه‌ها

بازدارندگی پیچیده؛ بن‌بست راهبردی؛ قدرت مداخله‌گر؛ عدم تقارن قدرت؛ غرب آسیا؛ گروه‌های پادسامانه‌ای

## مقدمه

بازدارندگی کلاسیک، به‌عنوان یک سامانه یا راهبرد سیاست دفاعی، تنها در روابط بین کنش‌گران دولتی و به‌طور اخص بین قدرت‌های بزرگ دارای تسلیحات هسته‌ای عمل می‌کرد. در دوران جنگ سرد عملکرد سامانه بازدارندگی مستقیم در روابط بین دو ابرقدرت، فرایندهای نظم منطقه‌ای غرب آسیا را شکل می‌داد. اما با پایان جنگ سرد و تغییر در نظام بین‌الملل شاهد شکل‌گیری سامانه بازدارندگی پیچیده در منطقه غرب آسیا هستیم که به‌صورت تنوع بیشتر زیرسامانه‌های بازدارندگی از یک طرف و تنوع کنش‌گران دخیل، شامل قدرت‌های مداخله‌گر، واحدهای تجدیدنظرطلب منطقه‌ای، واحدهای محور یا دست‌نشانده، کنشگران غیردولتی و مهم‌تر از همه گروه‌های پادسامانه‌ای (پادسامانه‌ای)<sup>۱</sup> تجلی یافته است.

مهم‌ترین تحول در سامانه کنترل نظم منطقه غرب آسیا ورود گروه‌های پادسامانه‌ای در عرصه بازی‌های راهبردی و ایجاد جنگ‌های نیابتی در این منطقه است. امروزه گروه‌های پادسامانه‌ای، به‌لحاظ سیاسی، به‌عنوان کنش‌گرانی مهم در عرصه سیاست بین‌الملل مطرح هستند و نیز از نقشی برجسته در شکل‌دهی به ساختار منطقی و فیزیکی شبکه ژئواستراتژیکی منطقه غرب آسیا برخوردارند. با عنایت به ظرفیت این گروه‌ها در سامانه کنترل نظم منطقه‌ای، این سؤال مطرح می‌شود که نقش و کارکرد گروه‌های پادسامانه‌ای در سامانه بازدارندگی منطقه غرب آسیا چیست؟ در پاسخ به سؤال فوق، لازم است تا پیشینه ادبیات بازدارندگی مرور شود.

زمینه‌جویی: ساختار مبنایی پژوهش

- تعریف و دسته‌بندی گروه‌های پادسامانه‌ای

در یک تعریف مختصر و جامع می‌توان گفت: «گروه پادسامانه‌ای یک کنش‌گر غیردولتی خواهان تغییر در زیربنای منطقی، یا حداقل ساخت فیزیکی نظام ملی، منطقه‌ای یا جهانی است». براین اساس، مشخصات گروه‌های پادسامانه‌ای به قرار زیر است:

۱. گروه‌های پادسامانه‌ای در دسته کنش‌گران غیردولتی قرار می‌گیرند؛

۲. ضدیت با نظام ملی، منطقه‌ای یا جهانی؛

۱. Anti Systemic Groups نشریه علمی سیاست دفاعی برای پاسداشت زبان فارسی واژگان «گروه‌های

پادسامانه‌ای» را جایگزین «گروه‌های ضدسیستمی» نموده است.

۳. وابستگی نسبی به واحدهای دولتی.

گروه‌های [پادسامانه‌ای]، بر مبنای متغیرهای اهداف، راهبرد و تاکتیک‌ها به گروه‌های [پادسامانه‌ای] تدافعی یا مقاومتی (در محور مقاومت و متحد با واحدهای تجدیدنظرطلب در نظم ناعادلانه جهانی و منطقه‌ای) و تهاجمی یا تروریستی (در جبهه قدرت‌های مداخله‌گر فرمانطقه‌ای و واحدهای دست‌نشانده منطقه‌ای) و براساس متغیر فضا و گستره مرزهای جغرافیایی به گروه‌های [پادسامانه‌ای] فراملی و فروملی تقسیم می‌شوند. در یک دسته‌بندی کلی، این گروه‌ها را می‌توان به گروه‌های [پادسامانه‌ای] تهاجمی فراملی، گروه‌های [پادسامانه‌ای] تهاجمی فروملی، گروه‌های [پادسامانه‌ای] تدافعی فراملی و گروه‌های [پادسامانه‌ای] تدافعی فروملی تقسیم کرد (قاسمی و عین‌الهی، ۱۳۹۵: ۱۲۳). این تقسیم‌بندی در قالب جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. دسته‌بندی گروه‌های پادسامانه‌ای

گروه پادسامانه‌ای	اهداف	راهبرد و تاکتیک‌ها	مصادیق
تدافعی و مقاومتی	مقاومت درمقابل اشغال‌گری خارجی یا رژیم‌های دست‌نشانده؛ رهایی‌بخشی	تدافعی و واکنشی؛ تاکتیک دفاع تهاجمی	حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت فلسطینی، حوثی‌های یمن
تهاجمی و تروریستی	جولوگیری و تخریب شبکه منطقه‌ای بومی و تحقق موازنه مطلوب قدرت مداخله‌گر	تهاجمی و کنشی؛ تاکتیک وحشت‌افکنی عمومی	القاعده، طالبان، داعش، جبهه‌النصره، جیش الاسلام، جیش الفتح، بوکوحرام، جندالله، مجاهدین خلق (منافقین)
براساس متغیر فضا و گستره مرزهای جغرافیایی			
فراملی	شکل‌گیری در ورای مرزهای یک دولت خاص، مخالفت با ساختار و مرزهای شبکه منطقه‌ای یا جهانی خاص		
فروملی	شکل‌گیری در درون مرزهای یک دولت خاص و در سطح اجتماعی، مخالفت با ساختار شبکه ملی		

### پیشینه پژوهش: روند تکامل نظریه بازدارندگی

از منظر تاریخی، بازدارندگی ریشه‌های دینی نیز داشته و به صورت محتوایی، هرچند نه در لفظ، خداوند متعال در قرآن کریم به آن سفارش کرده است. در این زمینه، خدای متعال در قرآن کریم توصیه می‌کند که «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

يُوفَءُ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال/۶۰). براین اساس، می توان گفت که مسئله قدرت سخت و بازدارندگی از مهمات دینی در سیاست دفاعی سرزمین های اسلامی است.

در ادبیات غربی، بحث بازدارندگی معمولاً با این ضرب المثل رومی آغاز می شود: «اگر خواهان صلح هستید، برای جنگ آماده شوید» (Luttwak, 2001: 1). از منظر ژرف، شاید بتوان خوانشی بازدارنده از بخشی از کتاب شهریار «ماکیاولی»<sup>۱</sup> و جنگ های پلوپنزی «توسیدید»<sup>۲</sup> داشت. ماکیاولی، در سطح داخلی، بر این اعتقاد بود که مردم برای اینکه به پادشاه آزار نرسانند بهتر است از او بترسند و این ترس با هراس از مجازات، پیوند دارد (ماکیاولی، ۱۳۹۳: ۱۴۴). براساس آنچه «گراهام آلیسون»<sup>۳</sup> «تله توسیدید»<sup>۴</sup> می نامد، عامل اجتناب ناپذیری جنگ بین آتن و اسپارت هراس اسپارت، به عنوان قدرت مسلط، از قدرت فزاینده آتن و از این رو توسل به جنگ بازدارنده علیه آتن بوده است (ر. ک Allison, 2017). در باب معنای متداول بازدارندگی، «برودی»، به عنوان اولین و مهم ترین نظریه پرداز بازدارندگی پس از جنگ جهانی دوم، معتقد است که بازدارندگی، تا پیش از جنگ جهانی دوم، بیشتر به عنوان زیربنا و پشتوانه قوانین در نظریه پردازی های حقوقی عمل می کرد، اما با توسعه تسلیحات هسته ای این اصطلاح نیز کاربرد جداگانه ای پیدا کرد (Brodie, 1959: 31).

«رابرت جرویس»<sup>۶</sup> ادبیات بازدارندگی در روابط بین الملل را در سه موج مورد بررسی قرار می دهد (Jervis, 1979). در موج اول که از سال های اول پیدایش عصر هسته ای آغاز می شود، محققانی مانند برنارد برودی، «آرنولد ولفرز»<sup>۷</sup> و «جاکوب واینر»<sup>۸</sup> قرار می گیرند که آثار آنان پاسخی به ظهور سلاح های هسته ای بود (Buzan, 1987: 143) و این تسلیحات را عامل بازدارندگی در روابط دولت های عقلانی می دانند (Brodie, 1946; Brodie, 1959; Brodie, 1966; Kumar, 2007: 240; Mohan, 1986: 3). در موج دوم بازدارندگی که در اواخر دهه ۱۹۵۰ اوج

1. Niccolò di Bernardo dei Machiavelli

2. Thucydides

3. Graham Allison

4. Thucydides's Trap

۵. برای فهم «بازدارندگی جنایی» (Criminal Deterrence) ر. ک Paternoster, 2010: 765-823.

6. Robert Jervis

7. Arnold Wolfers

8. Jacob Viner

گرفت، محققانی مانند برودی، «شلینگ»<sup>۱</sup>، «اسنایدر»<sup>۲</sup>، «ولستتر»<sup>۳</sup> و دیگران سهم دارند. در این میان، شلینگ نماینده اصلی این موج محسوب می‌شود (ر. ک. Jervis, 1979; Schelling, 1961; Wohlstetter, 1966). آثار این نظریه پردازان، خصوصاً شلینگ، منجر به انعطاف پذیرتر و ظریف تر شدن این مفهوم در سطح ذهنی، نسبت به آنچه در واقعیت می‌توانست باشد، شد (Morgan, 1978: 463). بسیاری از ایده‌های موج اول در موج دوم شکوفا شد (Buzan, 1987: 144) و از این رو «گری» دوران میانه دهه ۱۹۵۰ تا میانه دهه ۱۹۶۰ را «عصر طلایی»<sup>۴</sup> بازدارندگی نامیده است (Gray, 1982: 15 - 16).

موج اول و دوم بازدارندگی را «نظریه بازدارندگی کلاسیک یا عقلانی»<sup>۵</sup> نیز می‌نامند (Kumar, 2007: 241) و بر روابط بین دولت‌های هسته‌ای دارای «همپایگی راهبردی»<sup>۶</sup> و «ثبات راهبردی»<sup>۸</sup> متمرکز است و ریشه در «واقع‌گرایی سیاسی»<sup>۹</sup> دارد (Zagare & Kilgour, 2000: 4). عصر طلایی مطالعات راهبردی در اوایل دهه ۱۹۷۰ به پایان خود رسید (Mohan, 1986: 3).

موج سوم بازدارندگی در دهه ۱۹۷۰ پدیدار شد. تا این موج، شواهد پشتیبان زیادی برای توسعه نظریه بازدارندگی وجود نداشت (ر. ک. Jervis, 1979). از دهه ۱۹۸۰ بسیاری از نظریه پردازان بازدارندگی بر وجود «بازدارندگی متعارف»<sup>۱۰</sup> تأکید کردند (Huth & Russett, 1984: 496- 526). در این زمینه، «جان مرشایمر»<sup>۱۱</sup> در کتاب «بازدارندگی متعارف» درصدد توضیح چرایی شکست بازدارندگی است (Mearsheimer, 1985؛ همچنین ر. ک. Mearsheimer 1988; Shimshoni 1983)<sup>۱۲</sup>. علاوه بر توجه به بازدارندگی متعارف، بازدارندگی هسته‌ای نیز

---

1. Schelling  
 2. Snyder  
 3. Wohlstetter  
 4. Golden Age  
 5. Classical or Rational Deterrence  
 6. برای اطلاع از نظریه بازدارندگی عقلانی ر. ک. Lebow & Stein, 1989: 208- 224; Nalebuff, 1991: 313- 335; Zagar, 1990: 238- 260; Achen & Snidal, 1989: 143- 169  
 7. Strategic Parity  
 8. Strategic Stability  
 9. Political Realism  
 10. Conventional Deterrence  
 11. John Mearsheimer  
 12. آمیل معتقد به عدم کفایت نیروهای متعارف برای ایجاد بازدارندگی است (ر. ک. Amiel, 1978: 58- 62).

همچنان در مرکز توجه نظریه پردازان و راهبرد پردازان قرار داشت، تاجایی که «کنث والتز»<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۱ در مقاله «اشاعه سلاح‌های هسته‌ای: بیشتر می‌تواند بهتر باشد»<sup>۲</sup> مدعی شد که اشاعه سلاح‌های هسته‌ای به فراگیری بازدارندگی منجر خواهد شد (Waltz, 1981). همچنین، برخلاف بازدارندگی عقلانی، در این موج، به نقش عوامل شناختی و روان‌شناسانه و تصمیم‌گیری سازمانی در بازدارندگی توجه شده است<sup>۳</sup> (Jervis, Lebow & Stein, 1985; Steinbruner, 1976: 223- 245; Harvey, 1995: 403- 436; Morgan, 1977: 101; Morgan, 1978: 463- 464).

فراتر از امواج سه‌گانه مورد نظر جرویس، «لوپوویکی»<sup>۴</sup> در مقاله خود مدعی بررسی موج چهارم بازدارندگی است که با پایان جنگ سرد ظهور یافته است. این موج به لحاظ نظری با «سازهانگاری»<sup>۵</sup> گره خورده و از بعد تجربی به بررسی چگونگی بازداشتن تهدیدات جدید، شامل تروریسم، «دولت‌های سرکش»<sup>۶</sup> و منازعات قومی، متمرکز است. لوپوویکی در بخشی از اثر خود به امکان‌سنجی بازداشتن گروه‌های تروریستی از دیدگاه‌های مختلف می‌پردازد (Lupovici, 2010: 705 - 732). در این زمینه، «دیویس»<sup>۷</sup> و «جنکینز»<sup>۸</sup> معتقدند که «نظام ارزشی متفاوت»<sup>۹</sup> تصمیم‌سازان گروه‌های تروریستی موجب شکست راهبرد بازدارندگی دولت‌های مدافع می‌شود (Davis & Jenkins, 2002: 5). براین اساس، عده‌ای معتقدند راهبرد بازدارندگی در مقابل این کنش‌گران بی‌ربط و حتی ناقض هدف است (Long, 2008: 80- 84; Ganor 2005: 67; Trager and Zagorcheva 2005: 111).

1. Keneth Waltz

2. The Spread of Nuclear Weapons: More May Be Better

۳. برای اطلاع از نظریه شناختی بازدارندگی ر. ک Berejikian, 2002: 165- 183

۴. برای مطالعه مناظره طرفداران بازدارندگی عقلانی و منتقدان آنها ر. ک Downs, 1989: 225- 237

5. Lupovici

6. Constructivism

7. Rogue States

8. Davis

9. Jenkins

10. Different value system

«پائول»<sup>۱</sup> و همکاران در بخشی از اثر خود به کیفیت بازدارندگی حاکم بر رابطه واحدهای دولتی و گروه‌های تروریستی می‌پردازند و اعمال تاکتیک «تله بازدارندگی»<sup>۲</sup> توسط این گروه‌ها را عامل بازداشتن دولت‌ها می‌دانند (Paul, Morgan & Wirtz, 2009: 85) و مالکا این نوع بازدارندگی را «بازدارندگی نامتقارن»<sup>۳</sup> می‌نامد (Malka, 2008). «گامبیل»<sup>۴</sup> در مقاله خود معتقد است که استفاده ابزاری دولت‌ها و بازیگران غیردولتی از گروه‌های تروریستی در منطقه غرب آسیا باعث به‌وجود آمدن «موازنه وحشت»<sup>۵</sup> بین کشورهای منطقه شده است (Gambill, 1998: 51-66).

به‌طور کلی، نقاط تمرکز امواج چهارگانه بازدارندگی و نقدهای وارد بر آن به‌قرار زیر است:

۱. نقطه تمرکز امواج اول و دوم بازدارندگی بر کارکرد تسلیحات هسته‌ای در بازدارندگی است. در این دو موج، بازدارندگی بر عقلانیت کنش‌گران دولتی دارای همپایگی راهبردی مبتنی است. نقدی که بر این دو موج وارد است این است که به کارکرد تسلیحات متعارف و کنش‌گران غیردولتی، و نیز عوامل شناختی و سازمانی در ایجاد بازدارندگی توجه نشده است.

۲. در موج سوم بازدارندگی علاوه بر بازدارندگی هسته‌ای، بر نقش تسلیحات متعارف در سامانه بازدارندگی توجه شده است که بازدارندگی متعارف نامیده می‌شود. همچنین در این موج به مباحث شناختی و سازمانی نیز توجه شده است. باین‌وجود، در این موج نیز از نقش کنش‌گران غیردولتی، از جمله گروه‌های [پادسامانه‌ای]، در عملکرد سامانه بازدارندگی غفلت شده است. در این زمینه، دیویس و جنکینز، حداقل در رابطه با مورد القاعده، بازدارندگی جنگ سرد را امری بی‌ربط می‌دانند (Davis & Jenkins, 2002).

۳. نقطه تمرکز موج چهارم، بازداشتن تهدیدات جدید از جمله گروه‌های تروریستی بوده و بحث بر سر عقلانیت یا عدم عقلانیت کنش‌گران جدید و نقش آن در بازداشتن این گروه‌ها توسط کنش‌گران دولتی است. باین‌وجود در این موج نیز به نقش گروه‌های پادسامانه‌ای در

- 
1. Paul
  2. Deterrence Trap
  3. Asymmetric Deterrence
  4. Gambill
  5. Balance of Terror

عملکرد سامانه بازدارندگی، در شرایط پیچیدگی نظام بین‌الملل، توجه نشده است و ملاحظه این گروه‌ها تنها محدود به امکان‌سنجی و چگونگی بازداشتن حملات تروریستی توسط واحدهای دولتی بوده است.

فراتر از امواج چهارگانه فوق، موج پنجم ادبیات بازدارندگی مربوط به «بازدارندگی شبکه‌ای»<sup>۱</sup> است. در این زمینه، قاسمی بازدارندگی شبکه‌ای در شرایط پیچیده و آشوبی شدن نظام بین‌الملل را مطرح کرده است (ر. ک قاسمی، ۱۳۹۳؛ قاسمی، ۱۳۹۵: ۶۳ - ۹۶). همچنین، «گودمن» «رویکرد شبکه‌ای»<sup>۲</sup> را برای نمونه‌سازی بازدارندگی هسته‌ای به‌کار برده است که براساس آن، کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای می‌توانند تسلط نظامی خود را بر تمام کشورهای نظام بین‌الملل محقق کنند (ر. ک Goodman, 2012: 6 - 7). قابل ذکر است که گروه‌های پادسامانه‌ای، در کنار عوامل هم‌افزای دیگر، از نقش بالایی در عملکرد سامانه بازدارندگی شبکه‌ای برخوردارند.

جدول ۲. نقاط تمرکز امواج پنج‌گانه بازدارندگی

امواج بازدارندگی	نقطه تمرکز مطالعات راهبردی
موج اول و دوم	بازدارندگی هسته‌ای، عقلانیت کنش‌گران دولتی، همپایگی راهبردی
موج سوم	بازدارندگی هسته‌ای، نقش تسلیحات متعارف، عوامل شناختی و سازمانی
موج چهارم	بازداشتن تهدیدات جدید، بازداشتن گروه‌های تروریستی توسط دولت‌ها
موج پنجم	بازدارندگی پیچیده، نقش هم‌افزای گروه‌های پادسامانه‌ای در بازدارندگی

### ساختار شکلی و روش‌شناسی پژوهش

به‌طورکلی، نقش و کارکرد گروه‌های [پادسامانه‌ای] در سامانه بازدارندگی در ادبیات بازدارندگی جایگاهی ندارد و فراتر از آن، حتی یکی از اصول بازدارندگی کلاسیک این است که طرف‌های بازدارندگی باید دولت‌های عقلانی باشند (Paul, Morgan & Wirtz, 2009: 5 - 7) که این به‌معنای بیگانه‌پنداری و برون‌گذاری این گروه‌ها از حوزه ادبیات بازدارندگی است، مسئله‌ای که خود گواهی بر اصالت و بداعت پژوهش حاضر است. در پاسخ به سؤال پژوهش،

1. Network Deterrence
2. Network Approach



این فرضیه قابل طرح است که «گروه‌های پادسامانه‌ای موجب عملکرد سامانه بازدارندگی نظم منطقه‌ای غرب آسیا، در شرایط عدم تقارن و ناهمجنسی قدرت می‌شوند». در توضیح این فرضیه، می‌توان گفت که در عصر پساجنگ سرد، گروه‌های پادسامانه‌ای، به‌عنوان یک کنش‌گر غیردولتی، از نقش بالایی در شکل‌دهی به ساختار نظم جهانی و منطقه‌ای برخوردار شده‌اند و براین اساس، باتکیه بر قابلیت‌ها و قوه‌های خود و در اتحاد غیررسمی با کنش‌گران دولتی، عملکرد سامانه بازدارندگی پساجنگ سرد را، به‌خصوص در شرایط محرومیت دولت‌های حامی از تسلیحات هسته‌ای، سبب شده‌اند.

این پژوهش با استفاده از روش علمی ساختاری - کارکردی تدوین و تجزیه و تحلیل شده است که براساس آن، کنش کنش‌گران، به‌طور ناخواسته، کارکردهایی برای نظام دارد و می‌تواند به تعادل و پایداری آن بینجامد. براین‌مبنا، این پژوهش درصدد تبیین رابطه علمی کارکرد گروه‌های پادسامانه‌ای و سامانه بازدارندگی در غرب آسیاست. به‌لحاظ منطقی، این پژوهش نظریه‌پایه بوده و در این چارچوب، برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای، به شکل ارجاع به کتب و مقالات تجربی و نظری و جرح و تعدیل آنها در متن جهت نوآوری، استفاده شده است. لذا، اهمیت پژوهش حاضر این است که با تبیین کلی رابطه گروه‌های پادسامانه‌ای با زیرسامانه‌ها و راهبردهای بازدارندگی پیچیده، الگویی در راستای سیاست‌گذاری منطقه‌ای دولت‌ها باشد. براین اساس، هدف پژوهش حاضر، ارائه نمونه‌ای نظری در زمینه نقش گروه‌های پادسامانه‌ای در سامانه بازدارندگی پیچیده، در جهت کمک به غنای ادبیات نظری روابط بین‌الملل و مطالعات راهبردی و نیز کاربردی عملی آن است.

#### **بنیان نظری: گروه‌های پادسامانه‌ای و سامانه بازدارندگی پیچیده**

در ادبیات مربوط به بازدارندگی، تعاریف متفاوتی از بازدارندگی ارائه شده است و آن را «یک نظریه، یک تاکتیک، یک راهبرد امنیت ملی، یک رویکرد سیاست دفاعی کلان و یک عنصر حیاتی امنیت برای نظام بین‌الملل تعریف کرده‌اند. در تصویری جامع، می‌توان بازدارندگی را به شکل یک سامانه ترسیم کرد که خود دارای زیرسامانه‌هایی<sup>۱</sup> است. بازدارندگی در درجه اول بر الگوریتم تهدید و محرک‌های سلبی مبتنی بوده و موجب بازداشتن

#### 1. Subsystems

طرف مقابل از تهاجم برنامه‌ریزی‌شده، به‌علت ترس از پیامدهای اقدام، می‌شود ( Paul, Morgan & Wirtz, 2009: 2, 5, 37; Lowther, 2012: 165; Jervis, 1979: 291- 292). نظریه بازدارندگی که یک پیوند کلی با رئالیسم دارد و محرک‌های جدیدی به آن داده است تقریباً پرنفوذترین مکتب تفکر در مطالعات امریکایی روابط بین‌الملل است (Jervis, 1979: 289, 290). در اینجا لازم است بین بازدارندگی به مفهوم کلاسیک آن و بازدارندگی پیچیده، تفاوت قائل شد. در دوران جنگ سرد سامانه بازدارندگی کلاسیک، به‌صورت «بازدارندگی دوجانبه»<sup>۱</sup>، بر روابط ابرقدرت‌ها حاکم بود که ابزار اصلی عملکرد این بازدارندگی زرادخانه‌های عظیم هسته‌ای بود (Garthoff, 1978 - 1979: 200 - 201). این بازدارندگی در ابتدا مبتنی بر بازداشتن مهاجم، به‌وسیله «توانایی دفاع»<sup>۲</sup> و شکست مهاجم بود، اما به‌زودی با تقویت تسلیحات هسته‌ای و «توقف‌ناپذیری»<sup>۳</sup> ابزارهای حمل آنها دفاع موفقیت‌آمیز غیرممکن شد و از این پس، بازدارندگی بر پایه «تهدید به تلافی»<sup>۴</sup> در مقابل هر حمله‌ای قرار گرفت (Kober, 1987: 124). مفروضات بازدارندگی کلاسیک عبارتند از:

۱. دولت‌ها کنش‌گرانی عقلانی‌اند و درمورد اینکه کجا و کی یک منازعه را آغاز کنند، دست به محاسبه هزینه - فایده می‌زنند؛
۲. بازدارندگی عمدتاً میان دولت‌ها عمل می‌کند؛
۳. رقابت سخت میان طرف‌ها؛
۴. هر طبقه از سلاح‌ها - شامل متعارف، شیمیایی یا بیولوژیکی و هسته‌ای - در محاسبه بازدارندگی دولت‌ها در لایه‌های متفاوتی قرار می‌گیرند (Paul, Morgan & Wirtz, 2009: 5- 7; Scheber, 2011: 454).

در دوران پس از جنگ سرد، تشخیص مرزهای دقیق در نظام بین‌الملل دشوار شده است و از این رو تحلیل‌گران به‌طور متفاوتی آن را یک قطبی، چندقطبی و امپراتوری غیررسمی می‌نامند. شوئلر در مقاله «آنتروپی و تراژدی سیاست جهانی: چرا قطبیت بی‌معناتر شده است» معتقد

---

1. Mutual Deterrence  
 2. Ability to Defend  
 3. Unstoppable  
 4. Threat of Retaliation

است که امروزه فرایند سامانه، به‌عنوان یک آن‌تروپی، نسبت به ساختار، بهتر سیاست بین‌الملل را تبیین می‌کند و به همین علت قطبیت سامانه به‌طور گسترده‌ای به مفهومی بی‌معنا تبدیل شده است (Schweller, 2010: 145 - 163).

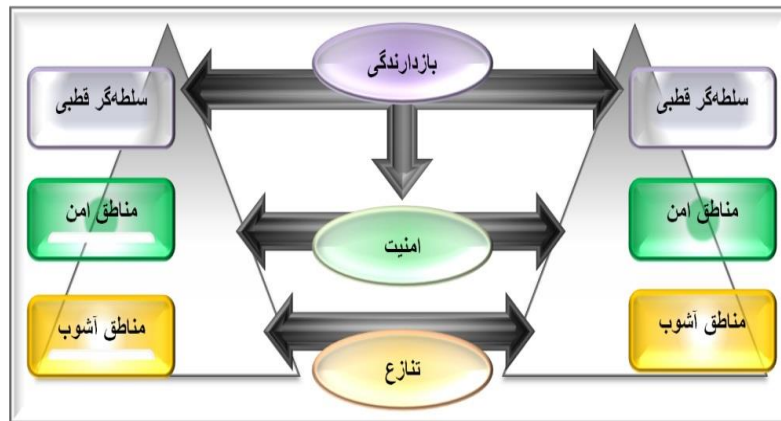
بااینکه همه عناصر یک نظام پیچیده تحقق نیافته است، حداقل سه عنصر نظام بین‌الملل جاری موجد پیچیدگی چهارچوب بازدارندگی شده است:

۱. اتفاقات کوچک نتایج بزرگی در پی دارد، اما پیش‌بینی آنها دشوار است (غیرخطی شدن فرایند نظام)؛

۲. نظام با تعاملات چندجانبه و ناسازگار میان شمار زیادی از کارگزاران و رقیبان مختلف ساختاریندی شده و اثرات آنها می‌تواند پیچیده و بی‌ثبات باشد؛

۳. این تأثیرات در فرایند تحول و سازگاری است و ازاین‌رو در گذر زمان به شیوه‌های غیرقابل پیش‌بینی مشخص می‌شود (Paul, Morgan & Wirtz, 2009: 7 - 8).

در دوره جنگ سرد بازدارندگی تنها در سطح جهانی مطرح بود و نظم‌های منطقه‌ای لایه‌های پایین‌تر سامانه بازدارندگی را تشکیل می‌دادند که دو ابرقدرت، برای جلوگیری از رویارویی مستقیم، تعارضات خود را به سطح مناطق و به وکلای منطقه‌ای خود انتقال می‌دادند. ازاین‌رو سامانه بازدارندگی هسته‌ای بین دو ابرقدرت، خطر جنگ هسته‌ای را رفع کرده و موجب ثبات نظام بین‌الملل شد، اما این سامانه در نظم‌های منطقه‌ای آشوب نتیجه‌ای خلاف نظام مسلط داشته و منازعات متعددی بین واحدهای مورد حمایت دو ابرقدرت در مناطق نامنسجم رخ داد. در نتیجه، تا پایان جنگ سرد سامانه بازدارندگی تنها نظم و ثبات بین ابرقدرت‌ها را به‌دنبال داشت و در درون نظم‌های منطقه‌ای عمل نمی‌کرد (Khalidi, 2009: 84).



شکل ۱. بازدارندگی مستقیم و نظم‌های منطقه‌ای امن و آشوب در عصر جنگ سرد

برخلاف بازدارندگی کلاسیک که تنها بین دولت‌های دارای تسلیحات هسته‌ای عمل می‌کرد (Morgan, 1978: 463)، در نظم‌های منطقه‌ای آشوب سامانه بازدارندگی پیچیده بین

کارگزاران زیر عمل می‌کند:

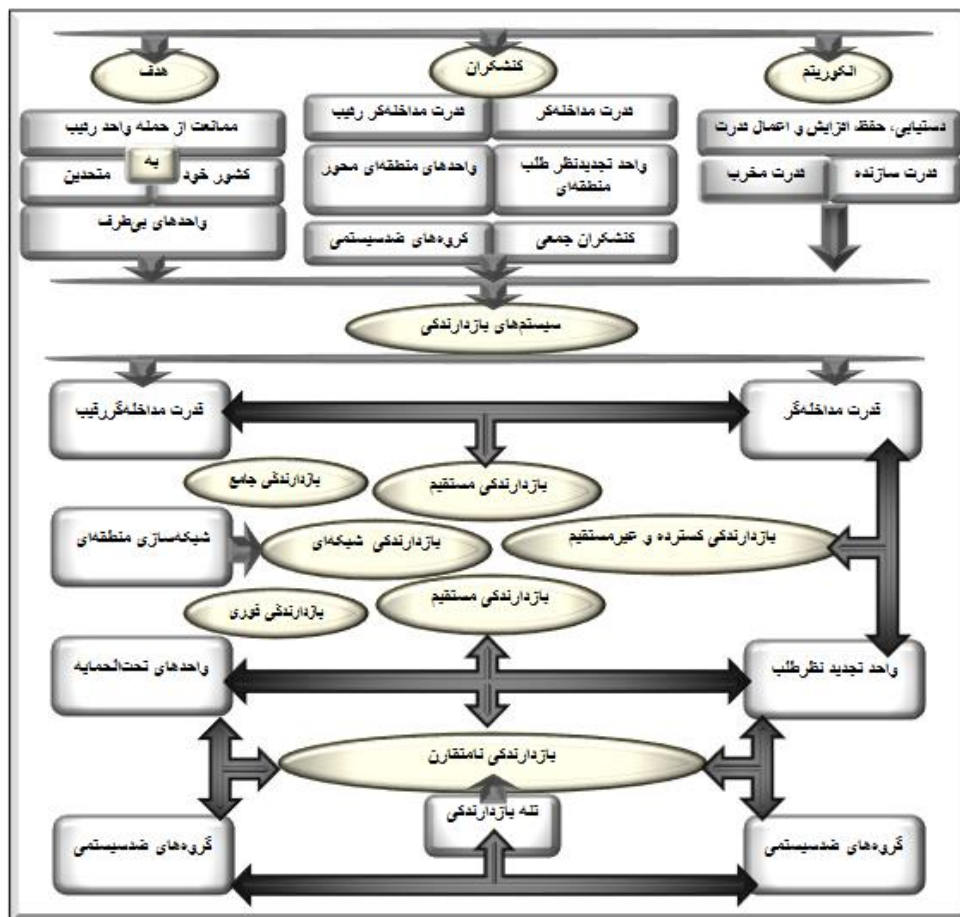
۱. قدرت مداخله‌گر؛
۲. قدرت مداخله‌گر رقیب؛
۳. واحدهای ناراضی یا تجدیدنظرطلب منطقه‌ای؛
۴. واحدهای تحت‌الحمایه قدرت مداخله‌گر یا واحدهای محور؛
۵. گروه‌های پادسامانه‌ای تهاجمی فراملی و فروملی و گروه‌های پادسامانه‌ای تدافعی یا مقاومتی فراملی و فروملی.

همچنین برخلاف عصر جنگ سرد که همپایگی راهبردی و هم‌جنسی قدرت شرط لازم برای ایجاد بازدارندگی دانسته می‌شد، پس از جنگ سرد، در سامانه بازدارندگی پیچیده نظم‌های منطقه‌ای آشوب، امکان ایجاد بازدارندگی توسط قدرت‌های ضعیف‌تر نیز وجود دارد. این بازدارندگی، باتکیه بر اصول متنوع‌سازی، هم‌پایانی، برونی‌سازی و متوازن‌سازی امکان‌پذیر شده است (قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۱۰ - ۱۱۴). براین اساس، گروه‌های پادسامانه‌ای یکی از سازوکارهای تحقق بازدارندگی پیچیده در شرایط عدم تقارن و ناهم‌جنسی قدرت هستند.

درواقع براساس اصول متنوع‌سازی و هم‌پایانی، گروه‌های پادسامانه‌ای یکی از گزینه‌هایی هستند که امکان برون‌سازی و متوازن‌سازی در شرایط عدم تقارن قدرت و در نتیجه بازدارندگی پیچیده منطقه‌ای را فراهم می‌آورند.

براساس مدل بازدارندگی پیچیده، با پیچیده‌شدن نظم‌های منطقه‌ای، اصول منطقی و فیزیکی بازدارندگی نیز تغییر کرده است. اصول منطقی سامانه بازدارندگی پیچیده همان اصول موردنظر پارادایم رئالیسم شامل: آنارشی، خودیاری، قدرت‌محوری، امنیت‌محوری و منفعت‌طلبی بوده و نمونه فیزیکی آن نیز برمبنای این اصول منطقی قابل ترسیم است. در نظام‌های پیچیده و آشوب بازدارندگی پیچیده، حالت خطی نداشته و از تعامل زیرسامانه‌های متعدد - شامل «بازدارندگی نامتقارن»<sup>۱</sup>، «بازدارندگی شبکه‌ای»<sup>۲</sup>، «بازدارندگی مستقیم»<sup>۳</sup>، «بازدارندگی گسترده»<sup>۴</sup>، «بازدارندگی غیرمستقیم»<sup>۵</sup>، «بازدارندگی جامع»<sup>۶</sup>، «بازدارندگی فوری»<sup>۷</sup> و «بازدارندگی کنش‌گر جمعی»<sup>۸</sup> به‌وجود آمده است و گروه‌های پادسامانه‌ای در عملکرد هریک از این زیرسامانه‌ها دخیل هستند.

- 
1. Asymmetric Deterrence
  2. Network Deterrence
  3. Direct Deterrence
  4. Extended Deterrence
  5. Indirect Deterrence
  6. General Deterrence
  7. Immediate Deterrence
  8. Collective Actor Deterrence



شکل ۲. نمونه فیزیکی بازدارندگی پیچیده در منطقه غرب آسیا

### نقش و کارکرد گروه‌های پادسامانه‌ای در سامانه بازدارندگی پیچیده منطقه غرب آسیا

تا پیش از پایان جنگ سرد، نظم منطقه‌ای غرب آسیا فاقد یک سامانه بازدارندگی منطقه‌ای بود و سامانه بازدارندگی تنها در سطح جهانی و بین دو ابرقدرت عمل می‌کرد و برای غرب آسیا دو حالت وجود داشت: یا بازدارندگی مستقیم بین دو ابرقدرت موجب انتقال تعارضات به سطوح پایین‌دستی، به صورت جنگ‌های نیابتی منطقه‌ای می‌شد و یا در بهترین حالت هر یک از

دو ابرقدرت با گسترش راهبرد بازدارندگی خود به بلوک متحد خود، در قالب سامانه بازدارندگی گسترده، واحدهای منطقه‌ای درون‌بلوکی را زیر چتر بازدارندگی خود می‌گرفتند که این امر با دو هدف اتخاذ می‌شد:

۱. بازداشتن متحدان از هسته‌ای کردن خود؛

۲. بازداشتن دشمن از حمله به متحدان خود (Masala, 2012: 117).

با شکل‌گیری سامانه بازدارندگی پیچیده در نظم منطقه‌ای غرب آسیا پس از جنگ سرد، امکان عملکرد زیرسامانه‌های مختلف بازدارندگی، در شرایط عدم تقارن و ناهم‌جنسی قدرت، بین کنش‌گران منطقه‌ای فراهم شده است. در این راستا گروه‌های پادسامانه‌ای یکی از گزینه‌های متنوعی هستند که امکان عملکرد زیرسامانه‌های مختلف بازدارندگی پیچیده را فراهم می‌کنند که در ادامه، تبیین می‌شود.

#### گروه‌های پادسامانه‌ای و سامانه بازدارندگی نامتقارن در نظم منطقه‌ای غرب آسیا

بازدارندگی حاکم بر رابطه یک واحد دولتی و یک گروه [پادسامانه‌ای] سامانه بازدارندگی نامتقارن است (Paul, Morgan & Wirtz, 2009: 85). عملکرد این سامانه ناشی از «ضعف قدرت»<sup>۱</sup> طرف قوی‌تر، در به‌فعل درآوردن قدرت بالقوه خود و ظرفیت «قدرت ضعیف»<sup>۲</sup> در خلق «قدرت عملیاتی»<sup>۳</sup> است (Malka, 2008: 2).

مصادیق بازدارندگی نامتقارن در منطقه غرب آسیا بازدارندگی حاکم بر رابطه حزب‌الله لبنان و گروه‌های مقاومت فلسطینی با رژیم صهیونیستی است. پس از جنگ دوم لبنان و رژیم صهیونیستی در ژوئیه ۲۰۰۶ رژیم صهیونیستی توان بازدارندگی خود را در مقابل حزب‌الله از دست داد و فراتر از آن، حزب‌الله توانسته است رژیم صهیونیستی را از حمله به لبنان بازدارد. همچنین با مسلح‌شدن گروه‌های مقاومت فلسطینی و حزب‌الله، قدرت بازدارندگی این گروه‌ها در مقابل رژیم صهیونیستی افزایش یافته است (Malka, 2008: 1 - 3, 8). این قدرت بازدارندگی ناشی از دو خصوصیت گروه‌های پادسامانه‌ای، به قرار زیر است:

1. Weakness of Power
2. Power of Weakness
3. Operational Power

## - عقلانیت و محاسبه‌گری غیرمادی گروه‌های پادسامانه‌ای

نظریه بازدارندگی هسته‌ای بر پیش‌فرض عقلانیت بالای تصمیم‌گیران مبتنی است که خود مبتنی بر «نظریه سود موردانتظار»<sup>۱</sup> است که توسط «توماس شلینگ»، به‌عنوان یک اقتصاددان، در بازدارندگی به‌کار گرفته شد (Scheber, 2011: 454; Jervis, 1979: 291, 299). درمقابل «ریمون آرون» باتأکید بر ابعاد روانی، اخلاقی و سیاسی معتقد است که عملکرد بازدارندگی بسته به شرایط خاص فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و ویژگی‌های روانی کنش‌گران، متفاوت است و تهدیدی که یک واحد را بازمی‌دارد ممکن است واحد دیگر را که متعلق به بافت فرهنگی - جغرافیایی دیگری است، باز ندارد (Aron, 1969: 9 - 10). بنابراین، ممکن است هم طرف بازدارنده و هم طرف بازداشته‌شده، غیرعقلانی رفتار کنند (Zagare, 2004: 114 - 116).

همچنین مورگان معتقد است که باتوجه به «نابودی قطعی دوجانبه»<sup>۲</sup> در شرایط «تلافی گسترده»<sup>۳</sup>، نظریه بازدارندگی کلاسیک ممکن است بر «نامعقولیت»<sup>۴</sup> متکی باشد. درواقع، بازداشتن تهدید به‌معنای «تصمیم‌گیری معقول»<sup>۵</sup> از جانب واحد رقیب نیست و از این‌رو، تحقق بازدارندگی محصول ویژگی‌های شخصیتی، ساختار سیاسی و بوروکراتیک و شرایط عمومی بین‌المللی است (Morgan, 1977: 101; Morgan, 1978: 463 - 464).

براین اساس، می‌توان گفت در سامانه بازدارندگی نامتقارن یک طرف، یعنی واحد دولتی، از عقلانیت و منطق محاسبه‌مادی برخوردار است، اما طرف دیگر، یعنی گروه‌های پادسامانه‌ای، از عقلانیت واحدهای دولتی پیروی نکرده و منطق محاسبه‌خاص خود را دارند. تراگر و زاگورچوا معتقدند که شواهد بسیاری وجود دارد که ناقض ادعای عدم عقلانیت گروه‌های تروریستی است (Trager and Zagorcheva, 2005: 93-94). این امر دو نتیجه دارد:

۱. از یک طرف اعتبار تهدید به تلافی و توان بازدارندگی واحدهای دولتی در مقابل گروه‌های پادسامانه‌ای را کاهش می‌دهد. در این شرایط یک ابزار مؤثر در بازداشتن واحدهایی

- 
1. Expected Utility Theory
  2. Mutual Assured Destruction
  3. Massive Retaliation
  4. Irrationality
  5. Sensible Decision- making



که از عقلانیت مادی غربی پیروی نمی‌کنند «دیپلماسی نظامی»<sup>۱</sup> با پشتوانه نیروهای کنوانسیونل است (Oswald, 1993: 29- 30).

۲. از طرف دیگر با افزایش اعتبار «بلوف»<sup>۲</sup> و تهدید به تلافی گروه‌های [پادسامانه‌ای]، امکان بازداشتن واحد دولتی در شرایط عدم تقارن قدرت را فراهم می‌کند (Paul, Morgan & Wirtz, 2009: 76- 77). از آنجاکه اعتبار بازدارندگی از ماهیتی سیاسی و روانی برخوردار است بازدارندگی نامتقارن در قالب نظریه «بازی بزدل»<sup>۳</sup> قابل توضیح است (برگرفته از: Jervis, 1979: 291- 292). پس از عملیات قنیطره و شبع سید سن نصرالله خطاب به شهدای قنیطره گفت: «بر شما مبارک باد و گوارای شما باد حسن عاقبت، اما شما ای برادران و فرزندان و شهدای عزیزمان که به زندگی عزتمندانه و سعادت اخروی نائل شدید، از خداوند می‌خواهیم به ما کمک کند در راه شما باقی بمانیم و راه شما را ادامه دهیم. آرزو داریم که خداوند نیز افتخار شهادت آنها را نصیب ما کند... وقتی نتانیاها و یعلون خارج می‌شوند و آنها را تهدید می‌کنند، آنچه را که امام زین‌العابدین(ع) به یزید گفت، به نتانیاها و یعلون می‌گویند، آیا می‌خواهید ما را از شهادت بترسانید».

پیام بالای سیدحسن نصرالله نشان‌دهنده عقلانیت غیرمادی حزب‌الله لبنان است. در آخر سیدحسن نصرالله در پیامی بازدارنده، خطاب به رژیم صهیونیستی اظهار می‌دارد: امروز پس از عملیات قنیطره و عملیات مزارع شبع می‌گوییم چیزی به نام قواعد درگیری برای ما ارزشی ندارد. این حق اخلاقی، انسانی و قانونی است که با تجاوزگری در هر زمان و مکان مقابله کنیم و پاسخ را حق خود می‌دانیم ... پیام امروز، از حالا به بعد، در صورتی که هر یک از اعضای کادر حزب‌الله یا هر جوانی از جوانان حزب‌الله، ترور شود، اسرائیل را مسئول دانسته و به دشمن صهیونیستی در هر زمان و مکان و به شیوه‌ای که آن را مناسب بدانیم، پاسخ خواهیم داد (<http://www.irinn.ir/news/79377>).

1. Military Diplomacy
2. Bluff
3. Game of Chicken

این سخنرانی سیدحسن نصرالله نشان‌دهنده عدم پابندی گروه پادسامانه‌ای حزب‌الله به منطق اقدام و محاسبه‌گری واحدهای دولتی است و همین امر باعث اعتبار تهدیدات سید حسن نصرالله و در نتیجه موفقیت بازدارندگی نامتقارن حزب‌الله درمقابل رژیم صهیونیستی در این مقطع زمانی شد. نکته قابل‌ذکر در اینجا این است که پاسخ گروه حزب‌الله به تهاجم رژیم صهیونیستی هم‌زمان و هم‌وزن بود که از شرایط تحقق بازدارندگی محسوب می‌شود.

**- تله بازدارندگی گروه‌های پادسامانه‌ای در شرایط عدم تقارن قدرت**

«تله بازدارندگی»<sup>۱</sup> یک «موقعیت باخت - باخت»<sup>۲</sup> برای واحد قوی‌تر محسوب می‌شود. در رابطه با حزب‌الله باید گفت که عملیات قنطره و شبعاً به‌منزله عملی تحریک‌آمیز برای رژیم صهیونیستی محسوب می‌شد و پاسخ یا عدم پاسخ رژیم صهیونیستی به این عمل حزب‌الله هر دو به‌معنای باخت رژیم صهیونیستی بود:

۱. پاسخ: پاسخ به تهدید همان چیزی بود که حزب‌الله می‌خواست تا نیروهای رژیم صهیونیستی را در جنگ‌های پارتیزانی زمین‌گیر کند.

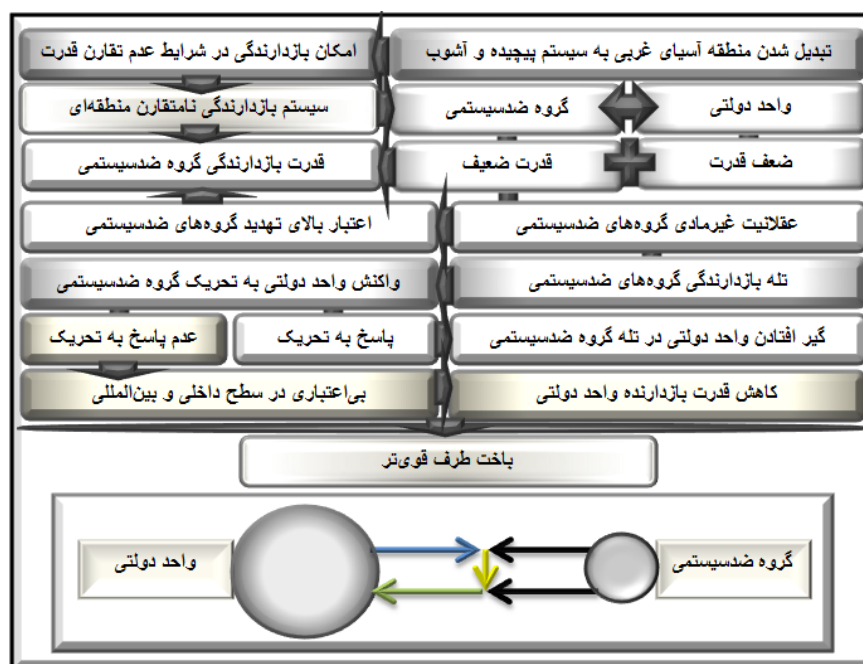
۲. عدم پاسخ: عدم پاسخ به این عمل موجب بی‌اعتباری این رژیم نزد افکار عمومی داخلی و متحدان بین‌المللی خود می‌شد. درنهایت رژیم صهیونیستی مجبور به «خویشتن‌داری»<sup>۳</sup> در برابر حزب‌الله شد.

گرفتاری رژیم صهیونیستی در تله بازدارندگی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶، که با گذشتن نیروهای حزب‌الله از مرز فلسطین اشغالی در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶ و به هلاکت‌رساندن سه سرباز و ربودن دو سرباز رژیم صهیونیستی در عملیات «وعده راستین» آغاز شد و تا ۱۴ اوت ۲۰۰۶ ادامه داشت، طی این جنگ جرج بوش جنگ رژیم صهیونیستی با فلسطین را جنگ علیه تروریسم نامیده و از آن حمایت کرد، درمقابل ایران، سوریه و یمن نیز جانب فلسطین را گرفتند. خود تجربه‌ای برای دوری رژیم صهیونیستی از تله حزب‌الله پس از عملیات قنطره و شبعاً شد (Exum, 2006: 8 - 14; Khalidi, 2009: 214 - 216, 235). نمونه دیگر، گرفتارشدن رژیم صهیونیستی در تله بازدارندگی گروه‌های مقاومت فلسطینی در جنگ

---

1. Deterrence Trap  
2. Loss-loss Situation  
3. Self-restraint

۵۰ روزه، که با پیش‌زمینهٔ ربایش و کشتن سه اشغال‌گر صهیونیستی توسط حماس، از ۸ ژوئیهٔ ۲۰۱۴ آغاز شد است که این نیز در دوری رژیم صهیونیستی از تلهٔ بازدارندگی حزب‌الله تأثیرگذار بود (Goodman & Gold, 2015: 31 - 42, 153 - 163). شکل زیر گویای چگونگی عملکرد سامانهٔ بازدارندگی نامتقارن منطقه‌ای است.



شکل ۳. سامانهٔ بازدارندگی نامتقارن در منطقهٔ غرب آسیا

براساس شکل بالا امکان بازدارندگی نامتقارن در منطقهٔ غرب آسیا وجود دارد. قدرت بازدارندگی گروه‌های [پادسامانه‌ای] در این نمونه ناشی از عقلانیت غیرمادی این گروه‌هاست که موجب اعتبار بالای تهدیدات آنها می‌شود (برگرفته از Jervis, 1979: 301-299). از طرف دیگر، تاکتیک تلهٔ بازدارندگی گروه‌های پادسامانه‌ای، واحد دولتی را در شرایطی قرار می‌دهد که پاسخ به محرک به‌منزلهٔ گرفتارشدن در تلهٔ بازدارندگی و عدم پاسخ به

آن مساوی با ازدست‌دادن پرستیژ داخلی و بین‌المللی و در نتیجه کاهش قدرت بازدارندگی واحد دولتی محسوب می‌شود. بنابراین، عملکرد این سامانه همواره موجب باخت طرف قوی‌تر می‌شود.

#### **گروه‌های پادسامانه‌ای و سامانه‌ی بازدارندگی شبکه‌ای در منطقه‌ی غرب آسیا**

بازدارندگی شبکه‌ای در نظم منطقه‌ای غرب آسیا به معنای روابط مبتنی بر تهدید با تسلط واحدها بر جریان ارتباطی موجود در شبکه‌ی منطقه‌ای است. نظم منطقه‌ای غرب آسیا از شبکه‌های متداخلی تشکیل شده است و هریک از واحدها درصد افزایش توان بازدارندگی خود، با گسترش مرزهای شبکه‌های ژئوپولیتیکی، ژئواکونومیکی، ژئوکالچری و ژئواستراتژیکی منطقه‌ای ترسیم‌شده‌ی خود هستند. به عبارتی، در بازدارندگی شبکه‌ای تجزیه و ترکیب شبکه‌های متداخل منطقه‌ای و یا ترکیب با شبکه‌های مناطق همجوار سبب افزایش توان بازدارندگی واحدها می‌شود. همچنین، در بازدارندگی شبکه‌ای واحد تجدیدنظرطلب می‌تواند از طریق افزایش گستره‌ی شبکه‌ی منطقه‌ای خود ضعف فناوری تسلیحاتی خود را جبران کرده و برد موشکی خود را افزایش دهد و این امر بر قدرت بازدارندگی آن می‌افزاید.

براین اساس، واحد تجدیدنظرطلب منطقه‌ای و واحدهای نایب قدرت مداخله‌گر درصد تسلط بر حلقه‌های پیوندی، حلقه‌های واسط، حلقه‌های مرکز و حلقه‌های متداخل و تبدیل شبکه‌ی منطقه‌ای غرب آسیا به شبکه‌ی سلسله‌مراتبی هستند. این نوع شبکه‌سازی با افزایش هزینه‌ی تهاجم واحدهای رقیب سبب بازدارندگی شبکه‌ای می‌شود. در این میان، گروه‌های پادسامانه‌ای به عنوان سازوکاری برای ایجاد بازدارندگی شبکه‌ای در مقابل واحدهای رقیب از یک طرف و خنثی کردن قابلیت بازدارندگی واحدهای رقیب از طرف دیگر مطرح هستند.

#### **قدرت سازنده‌ی گروه‌های پادسامانه‌ای و سامانه‌ی بازدارندگی شبکه‌ای در منطقه‌ی غرب آسیا**

در نظم منطقه‌ای غرب آسیا گروه‌های پادسامانه‌ای با بهره‌گیری از قدرت سازنده‌ی خود توان ترکیب شبکه‌های متداخل منطقه‌ای را دارند. گروه‌های پادسامانه‌ای با ترکیب شبکه‌های منطقه‌ای واحدهای رقیب با شبکه‌ی منطقه‌ای واحد حامی و اشغال حلقه‌های راهبردی، ظرفیت بازدارندگی واحد حامی خود را بالا می‌برند، به گونه‌ای که امکان حمله به واحدهای موکل خود را بسیار دشوار می‌کنند، زیرا حمله به واحد موردنظر، مستلزم تخریب کل شبکه‌ی سلسله‌مراتبی ترسیم‌شده‌ی واحد مدافع است.

مصدق بارز استفاده از گروه‌های [پادسامانه‌ای] در جهت ایجاد بازدارندگی شبکه‌ای منطقه‌ای، حمایت مشروع ایران از گروه‌های مقاومت، برای تحقق شبکه منطقه‌ای خود است. این کشور در راستای افزایش توان بازدارندگی خود از گروه‌های [پادسامانه‌ای] برای تسلط بر حلقه‌هایی که چگالی ارتباطات در آنها بالاست، استفاده کرده است که نمونه‌های آن حمایت از گروه‌های [پادسامانه‌ای] تدافعی در عراق، بحرین، کویت، عربستان، لبنان، فلسطین و یمن است. گروه‌های مقاومتی تحت حمایت ایران در منطقه با استفاده از قدرت سازنده خود امکان ترکیب حلقه‌های راهبردی منطقه‌ای با شبکه منطقه‌ای ایران را فراهم کرده‌اند. (Pifer, 2010: 40).

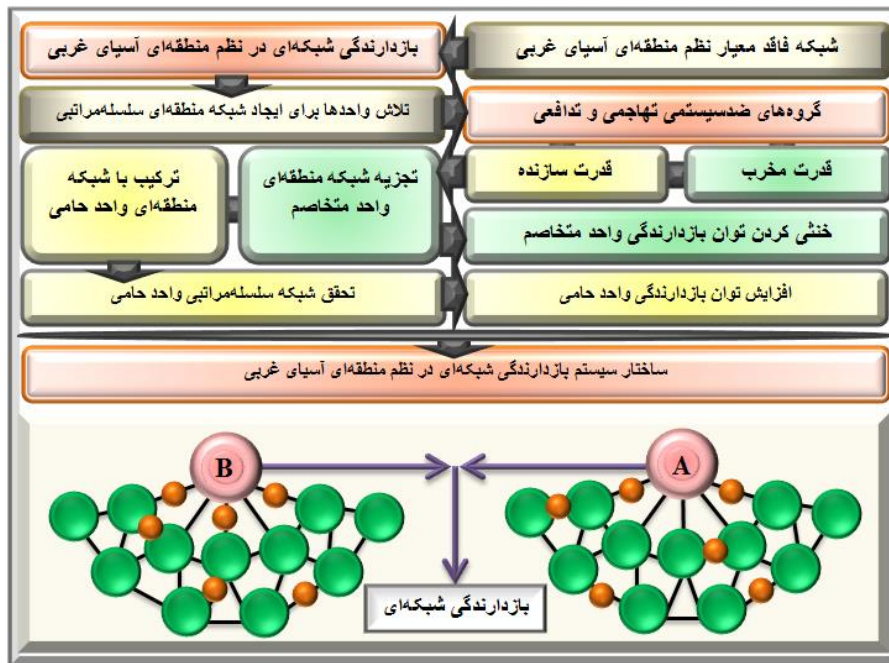
از این رو، گروه‌های مقاومت با فراهم کردن امکان شبکه‌سازی منطقه‌ای برای ایران موجب افزایش توان بازدارندگی شبکه‌ای و در نتیجه کاهش آسیب‌پذیری این کشور در قبال تهدیدات خارجی شده‌اند. همچنین تسلط بر حلقه‌های راهبردی منطقه‌ای در عین حال که قدرت بازدارندگی شبکه‌ای ایران را افزایش داده، موجب تقویت توان بازدارندگی غیرمستقیم منطقه‌ای این کشور شده است.

#### قدرت مخرب گروه‌های پادسامانه‌ای و بازدارندگی شبکه‌ای در منطقه غرب آسیا

قدرت مخرب گروه‌های [پادسامانه‌ای] امکان تجزیه شبکه‌های متداخل در منطقه غرب آسیا را فراهم می‌کند. یکی از مصادیق این امر استفاده قدرت مداخله‌گر و واحدهای محور از گروه‌های [پادسامانه‌ای] تهاجمی چون داعش و القاعده برای ختنی کردن توان بازدارندگی شبکه‌ای ایران است ( archive.larouchepac.com/files/20140617-isis-qatar-saudi-arabia\_0.pdf; http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/syria-crisis ). قدرت بازدارندگی شبکه‌ای ایران سبب شده است تا قدرت مداخله‌گر و واحدهای محور نتوانند به طور مستقیم این کشور را مورد تهاجم قرار دهند، زیرا هرگونه حمله به ایران موجب تخریب کل شبکه منطقه‌ای غرب آسیا، در قالب راهبرد بازدارندگی غیرمستقیم ایران می‌شود. از این رو، بازداشتن ایران در ابتدا مستلزم تخریب شبکه منطقه‌ای سلسله‌مراتبی این کشور و ختنی کردن توان بازدارندگی شبکه‌ای آن است و این امر از طریق وارد کردن گروه‌های پادسامانه‌ای تهاجمی در حلقه‌های راهبردی منطقه‌ای و قطع جریان ارتباطی ایران با این حلقه‌ها دنبال می‌شود.

درمقابل، می‌توان به حمایت حزب‌الله از حوثی‌های یمن اشاره کرد که در راستای تخریب شبکه منطقه‌ای عربستان و رژیم صهیونیستی صورت می‌گیرد. تسلط ایران بر این حلقه پیوند، سبب کاهش توان بازدارندگی شبکه‌ای عربستان و رژیم صهیونیستی می‌شود. اهمیت این حلقه در درجه اول در پیوند با تنگه باب‌المندب است و در صورت تسلط ایران بر این تنگه، این کشور هم‌زمان کنترل دو تنگه راهبردی از سه تنگه غرب آسیا را به دست خواهد گرفت و این امر قدرت بازدارندگی شبکه‌ای این کشور را، خصوصاً درمقابل عربستان و رژیم صهیونیستی افزایش می‌دهد.

از بعد دیگر، یمن حلقه پیوند عربستان با دریای سرخ است و تسلط بر آن کاهش توان بازدارنده عربستان سعودی را به دنبال خواهد داشت، زیرا با خارج شدن یمن، به‌عنوان نقطه فشار ایران بر عربستان، از شبکه منطقه‌ای عربستان و ترکیب آن با شبکه منطقه‌ای ایران، آسیب‌پذیری عربستان نسبت به تهدیدات خارجی افزایش یافته و درمقابل بر قدرت بازدارندگی شبکه‌ای ایران افزوده خواهد شد. از این رو، عربستان با وارد کردن گروه‌های [پادسامانه‌ای] تهاجمی چون القاعده به یمن در تلاش است تا این حلقه را در شبکه منطقه‌ای خود حفظ کند (Salisbury, 2015: 1 - 13).



شکل ۴. کارکرد گروه‌های پادسامانه‌ای در سامانه بازدارندگی شبکه‌ای در منطقه غرب آسیا

در نتیجه، اهمیت گروه‌های پادسامانه‌ای در سامانه بازدارندگی شبکه‌ای نظم منطقه‌ای غرب آسیا به دو علت است:

۱. این گروه‌ها، با برخورداری از قدرت سازنده، توان شبکه‌سازی منطقه‌ای برای واحدهای حامی خود را، از طریق ترکیب شبکه‌های متداخل رقیب دارند که این امر افزایش توان بازدارندگی شبکه‌ای واحدهای حامی را به دنبال دارد و از سوی دیگر آسیب‌پذیری آنها در مقابل تهدیدات خارجی را کاهش می‌دهد.

۲. گروه‌های پادسامانه‌ای با استفاده از قدرت مخرب خود می‌توانند شبکه‌های منطقه‌ای واحدهای رقیب را تجزیه کرده و با شبکه واحد حامی خود ترکیب کنند. این امر به کاهش قدرت بازدارندگی شبکه‌ای واحدهای رقیب و در نتیجه، افزایش آسیب‌پذیری آنها در مقابل تهدیدات خارجی منجر می‌شود.

### گروه‌های پادسامانه‌ای و سامانه‌های بازدارندگی مستقیم در منطقه غرب آسیا

سامانه‌های بازدارندگی مستقیم، به‌طور سنتی به بازدارندگی حاکم بر رابطه بین آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در عصر جنگ سرد برمی‌گردد (Lebow, 2001: 119 - 132). هدف بازدارندگی مستقیم جلوگیری از حمله مستقیم به واحد مدافع است (Snyder, 1961: 276). این نوع بازدارندگی می‌تواند بین واحدهای هم‌وزن، در سطح جهانی یا منطقه‌ای و از نوع نامتعارف یا متعارف باشد (Zagare & Kilgoure, 2000: 136; Slantchev, 2005: 7). از این رو، سامانه‌های بازدارندگی مستقیم در نظم منطقه‌ای غرب آسیا در دو سطح جهانی و منطقه‌ای قابل بررسی است:

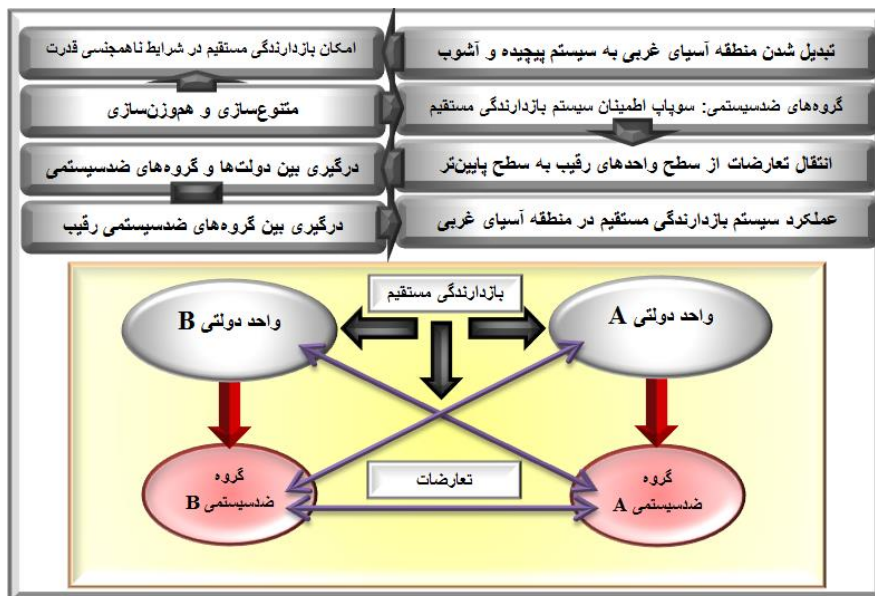
۱. در سطح جهانی: سامانه‌های بازدارندگی بین قدرت‌های بزرگ جهانی بوده و پیامدهای آن برای نظم منطقه‌ای غرب آسیا به‌صورت انتقال تعارضات از سطوح بالایی به درون این منطقه متجلی می‌شود. مصداق این امر سامانه‌های بازدارندگی مستقیم حاکم بر رابطه دو ابرقدرت در عصر جنگ سرد و حتی پس از آن است (Payne, 1995: 201). در این دوران عملکرد سامانه‌های بازدارندگی مستقیم به انتقال تعارضات دو ابرقدرت به نظم منطقه‌ای غرب آسیا، به‌صورت جنگ‌های نیابتی یا استفاده از گروه‌های پادسامانه‌ای منجر می‌شد.

جنبش ظفار نمونه‌ای از گروه‌های پادسامانه‌ای تحت حمایت اتحاد جماهیر شوروی است که در جهت تحقق شبکه منطقه‌ای این کشور عمل می‌کرد. جنگ ظفار، نمودی از انتقال تعارضات دو ابرقدرت به منطقه غرب آسیاست و در این راستا جنگ نیابتی گروه‌های [پادسامانه‌ای] باعث عملکرد سامانه‌های بازدارندگی مستقیم بین قدرت‌های جهانی می‌شد (DeVore, 2011: 1).

۲. در سطح منطقه‌ای: گروه‌های پادسامانه‌ای باعث عملکرد سامانه‌های بازدارندگی مستقیم بین واحدهای رقیب منطقه‌ای شده و از بروز درگیری‌های مستقیم بین واحدهای متخاصم جلوگیری می‌کند. در نظم منطقه‌ای غرب آسیا واحدهای رقیب درصدد تحقق شبکه منطقه‌ای خود از طریق گروه‌های پادسامانه‌ای هستند و تعارضات منطقه‌ای به‌صورت درگیری واحدها با گروه‌های پادسامانه‌ای واحد رقیب یا بین گروه‌های پادسامانه‌ای تحت حمایت واحدهای رقیب بروز می‌یابد، نه به‌صورت درگیری مستقیم بین دو واحد دولتی رقیب. برای نمونه، سامانه‌



بازدارندگی مستقیم حاکم بر روابط ایران از یک طرف و هریک از واحدهای رقیب منطقه‌ای، از طرف دیگر، باعث درگیری ایران با گروه‌های پادسامانه‌ای تهاجمی چون داعش، النصره و القاعده در عراق و سوریه و در مقابل درگیری عربستان با گروه مقاومتی حوثی‌های یمن و درگیری رژیم صهیونیستی با حزب‌الله لبنان و گروه‌های مقاومت فلسطینی شده است و این درگیری‌ها از بروز برخوردهای مستقیم بین واحدهای متخاصم جلوگیری می‌کند.



شکل ۵. کارکرد گروه‌های پادسامانه‌ای در سامانه بازدارندگی مستقیم منطقه غرب آسیا

به‌طور کلی گروه‌های پادسامانه‌ای در نظم منطقه‌ای غرب آسیا، با انتقال تعارضات از طرفین بازدارندگی به سطوح پایین‌تر نقش «سوپاپ اطمینان»<sup>۱</sup> را در سامانه بازدارندگی مستقیم بازی کرده و از بروز تعارضات مستقیم بین واحدهای منطقه‌ای جلوگیری می‌کند. از این رو، منازعات طرفین بازدارندگی تنها محدود به درگیری‌های غیرمستقیم خواهد بود.

1. Safety Valve

### گروه‌های پادسامانه‌ای و سامانه‌های بازدارندگی گسترده در منطقه غرب آسیا

برخلاف بازدارندگی مستقیم، در بازدارندگی گسترده هدف بازدارندگی تنها بازداشتن واحد رقیب از حمله به سرزمین خود نبوده و چتر بازدارندگی واحد مدافع به واحدهای متحد خود یا واحدهای بی‌طرف و یا چیزهای دیگری که برای واحد مدافع ارزشمند است نیز گسترش می‌یابد. واحدها یا چیزهای باارزش تحت چتر بازدارندگی واحد مدافع، «پروتژ»<sup>۱</sup> نام دارد (Quackenbush, 2006; Masala, 2012: 117; Slantchev, 2005: 7; Zagare & Kilgoure, 2000: 170; Huth 1988). در طول جنگ سرد، اروپای غربی به‌عنوان پروتژ، زیر چتر بازدارندگی گسترده آمریکا، درمقابل تهاجم اتحاد شوروی قرار داشت (Issa, 2004: 202- 203; Guertner, 2000: 60; Payne, 1986: 140- 142, 151).

بازدارندگی گسترده امروزه هسته سیاست آمریکا در نظم منطقه‌ای غرب آسیا را تشکیل می‌دهد که در مقابل قدرت نظامی متعارف واحدهای تجدیدنظرطلب، برای تضمین متحدان منطقه‌ای خود اتخاذ می‌شود (Pifer, 2010: 37 - 39). در این راستا، آمریکا از ساز و کارهای گوناگونی برای تأمین امنیت متحدان خود در مقابل تجدیدنظرطلب منطقه‌ای استفاده می‌کند که طیفی از دیپلماسی و مذاکره، تهدید به حمله نظامی، تحریم‌های اقتصادی و نظامی، حملات سایبری، خلع تسلیحات دوربرد و به‌کارگیری گروه‌های [پادسامانه‌ای] فراملی و فراملی تهاجمی را دربرمی‌گیرد (Toukan & Cordesman, 2011: 30; Pifer, 2010: 41; Levite, 2010: 59- 64).

آمریکا درصدد همکاری‌های امنیتی با رژیم صهیونیستی در خطی جداگانه از متحدان عرب خود برآمده و از طرف دیگر، درصدد تضمین متحدان عرب خود با استفاده از سازوکارهای زیر است:

۱. پایگاه‌های نظامی در منطقه؛
۲. فروش تسلیحات به متحدان؛
۳. ترتیبات امنیتی دوجانبه؛
۴. رزمایش نظامی مشترک با نیروهای نظامی متحدان منطقه‌ای؛

---

1. Protege

۵. به‌کارگیری گروه‌های پادسامانه‌ای تهاجمی.

بدین‌وسیله امریکا درصدد برقراری یک «چتر راهبردی»<sup>۱</sup> روی متحدان منطقه‌ای خود بوده است، از طرف دیگر، هرچند «چتر هسته‌ای»<sup>۲</sup> را روی رژیم صهیونیستی قرار داده اما با اشاعه هسته‌ای به دیگر متحدان منطقه‌ای خود موافق نیست (Pifer, 2010: 40). به‌طور کلی اتحاد‌های امریکا در نظم منطقه‌ای غرب آسیا در خدمت اهداف زیر است:

۱. کنترل متحدان خود، در جهت جلوگیری از دستیابی آنها به «سلاح‌های کشتار جمعی»؛

۲. کمک به متحدان خاص خود، برای جلوگیری از منازعات سیاسی داخلی مختل‌کننده در

مسائل امنیتی؛

۳. کمک به حفظ متحدان از تبدیل شدن به تهدیدات امنیتی علیه یکدیگر؛

۴. کمک به افزایش ثبات و امنیت ساختار محیط بین‌الملل مطلوب خود، با مجمع متحدان

(Morgan, 2012: 93).

به‌طور کلی قدرت مداخله‌گر از گروه‌های [پادسامانه‌ای] تهاجمی چون داعش، النصره و القاعده برای قطع جریان ارتباطی بین ایران و گروه‌های مقاومت فلسطینی و حزب‌الله استفاده می‌کند تا با خنثی کردن قدرت بازدارندگی غیرمستقیم ایران امنیت و منافع متحدان منطقه‌ای خود، چون رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی و یا نقاط دارای ارزش راهبردی، چون تنگه هرمز و تنگه باب‌المندب را تأمین کند (Pifer, 2010: 40; / <http://www.globalresearch.ca>, 5409449).

#### گروه‌های پادسامانه‌ای و سامانه بازدارندگی غیرمستقیم در منطقه غرب آسیا

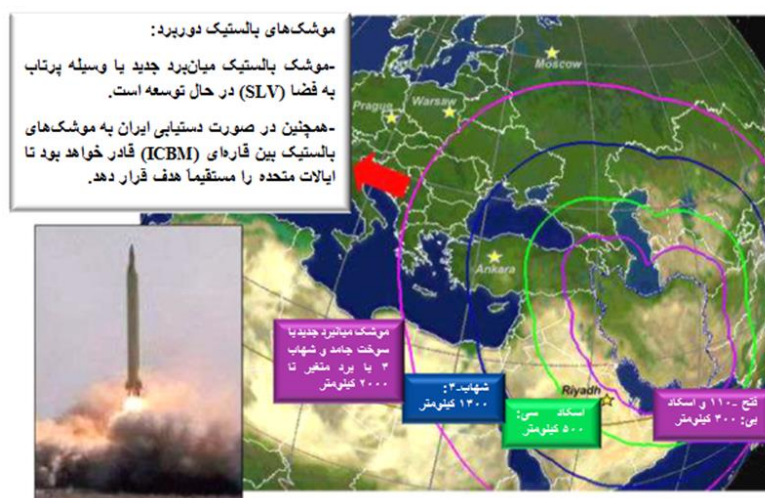
راهبرد بازدارندگی غیرمستقیم یا بازدارندگی مثلثی عبارت است از بازداشتن دشمن، نه با تهدید مستقیم و حذف آن بلکه با هدف قراردادن و تهدید چیزهایی که برای دشمن دارای ارزش است (Kroeing & Pavel, 2012: 27). براساس اصل «برونی‌سازی» یکی از روش‌های ایجاد بازدارندگی در نظم منطقه‌ای غرب آسیا درگیرسازی طرف‌های سوم در سامانه بازدارندگی خود است (قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۱۳ - ۱۱۴). براین‌اساس ایران، به‌عنوان واحد

---

1. Strategic Umbrella  
2. Nuclear Umbrella

تجدیدنظرطلب منطقه‌ای، راهبرد بازدارندگی غیرمستقیم را درمقابل بازدارندگی گسترده قدرت مداخله‌گر اتخاذ کرده است.

به عبارتی، در وضعیت عدم تقارن قدرت، واحد تجدیدنظرطلب منطقه‌ای به علت فاصله جغرافیایی با قدرت مداخله‌گر و به علت برخوردار نبودن از فناوری موشک‌های قاره‌پیما، توان اتخاذ راهبرد بازدارندگی مستقیم در مقابل امریکا را ندارد؛ اما در نظم منطقه‌ای غرب آسیا، به عنوان یک نظام پیچیده، امکان اتخاذ راهبرد بازدارندگی غیرمستقیم، از طریق هدف قراردادن متحدان منطقه‌ای قدرت مداخله‌گر، خصوصاً رژیم صهیونیستی، یا کانال انتقال انرژی به کشورهای مرکز وجود دارد. لازمه این امر متنوع‌سازی و هم‌وزن‌سازی سازوکارهای مورد استفاده برای ایجاد بازدارندگی است (ر. ک. Zagare & Kilgoure, 2000: 170; Harkavy, 1998: 587). شکل زیر برد موشک‌های بالستیک ایران را نشان می‌دهد که امکان اتخاذ راهبرد بازدارندگی غیرمستقیم را برای ایران فراهم می‌کند<sup>۱</sup>.



شکل ۶. برد موشک‌های بالستیک ایران و بازدارندگی غیرمستقیم

۱. در رابطه با موشک‌های بالستیک ایران ر. ک. Jerusalem Center for Public Affairs, 2007: 55- 59.

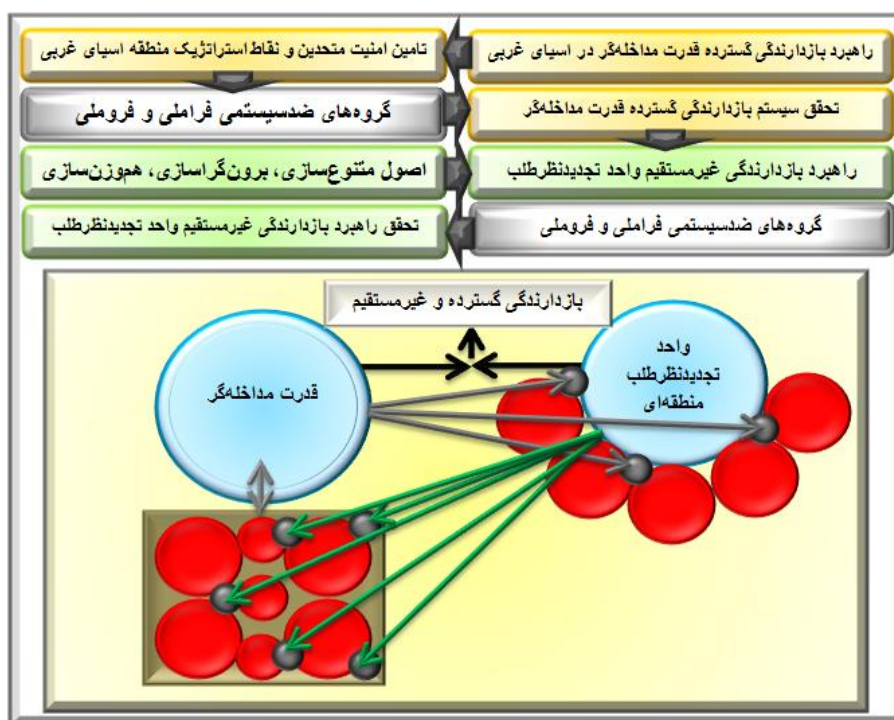
نطق پیش از دستور علی لاریجانی در جلسه علنی مجلس در روز چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۳ تجلی لفظی نظام بازدارندگی غیرمستقیم ایران است. لاریجانی با اشاره به حضور نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در امریکا و سخنرانی او در آی‌پک و کنگره امریکا در تهدیدی بازدارنده چنین گفت:

اگر اسرائیل مایل است و یا کنگره امریکا علاقه‌مند است فرزند ناخلف خود را روی ویلچر تحویل بگیرد، اقدام نظامی کند تا پاسخ کوبنده و همه‌جانبه نیروهای مسلح ایران را لمس کند (<http://theiranproject.com/blog/2015/03/04>).

به‌طورکلی راهبرد بازدارندگی غیرمستقیم ایران درمقابل قدرت مداخله‌گر با دو سازوکار ممکن شده است: یکی برخورداری از موشک‌های بالستیک و دیگری استفاده از گروه‌های مقاومتی. این گروه‌های پادسامانه‌ای، براساس اصل متنوع‌سازی و هم‌وزن‌سازی، به‌عنوان «پاسخ‌های نامتقارن ناهم‌جنس»<sup>۱</sup> ازسوی ایران، در مقابل راهبرد بازدارندگی گسترده امریکا عمل می‌کنند. برنارد برودی، به‌لحاظ امنیتی اصل «گوناگونی»<sup>۲</sup> را دارای ارزش می‌داند. برای مثال «زیردریایی‌های اتمی»<sup>۳</sup>، به‌عنوان وسیله پرتاب موشک «پلاریس»<sup>۴</sup> علیه اهداف راهبردی، مکمل مطلوبی برای «نیروی زمین‌پایه»<sup>۵</sup> محسوب می‌شود، حتی اگر هزینه آن در قیاس با دیگر وسایل دسترسی به هدف بیشتر باشد. زیردریایی‌ها از نقایص «هوایم‌ای حامل» [بمب اتم]<sup>۶</sup> مانند امکان شناسایی به‌وسیله رادار هوابرد میرا هستند (Brodie, 1959: 38). براساس این استدلال، می‌توان گفت که گروه‌های پادسامانه‌ای می‌توانند به‌عنوان مکمل سامانه دفاع موشکی و نیروهای مسلح واحد تجدیدنظرطلب منطقه‌ای عمل کنند، به‌گونه‌ای که از «هم‌افزایی»<sup>۷</sup> این عوامل با یکدیگر امکان ایجاد بازدارندگی، در شرایط عدم تقارن و ناهم‌جنسی قدرت فراهم می‌شود.

- 
1. Disproportionate Asymmetric Responses
  2. Diversification
  3. Nuclear-powered Submarines
  4. Polaris
  5. Land-based Force
  6. Aircraft-carrier
  7. Synergy

گروه‌های پادسامانه‌ای تحت حمایت ایران، خصوصاً حزب‌الله و گروه‌های مقاومت فلسطینی، با هدف قرارداد نایبان منطقه‌ای امریکا، به‌خصوص رژیم صهیونیستی و نیز نقاط راهبردی و باارزش برای امریکا، مانند تنگه باب‌المندب و تنگه هرمز، امکان عملکرد سامانه بازدارندگی غیرمستقیم برای ایران را فراهم کرده‌اند. حزب‌الله و حماس، با مسلح شدن به راکت‌های دوربرد و موشک‌های کاتیوشا و نیز با برخورداری از تاکتیک‌های جنگی خاص خود، چون حفر تونل و دیگر تاکتیک‌های جنگ‌های نامتقارن و پارتیزانی، درمقابل رژیم صهیونیستی، عاملی تعیین‌کننده در عملکرد مناسب سامانه بازدارندگی غیرمستقیم ایران در مقابل امریکا هستند (Toukan & Cordesman, 2011: 29; Malka, 2008: 2 - 8).



شکل ۷. کارکرد گروه‌های پادسامانه‌ای در سامانه بازدارندگی گسترده و غیرمستقیم در نظم منطقه‌ای غرب آسیا

### گروه‌های پادسامانه‌ای و سامانه بازدارندگی جامع و بازدارندگی فوری در منطقه غرب آسیا

بازدارندگی جامع، وضعیتی است که در آن واحدهای رقیب، حتی در صورت عدم وجود تهدید به حمله از سوی واحدهای رقیب، نیروهای نظامی و تسلیحاتی خود را آماده نگه می‌دارند. در مقابل، در بازدارندگی فوری یک طرف به طور جدی در صدد حمله به واحد رقیب است و هر لحظه امکان حمله وجود دارد و در مقابل واحد مدافع با تهدید به تلافی سعی در جلوگیری از حمله واحد چالشگر به خود را دارد (Morgan, 1977: 28; Morgan, 1978: 463; Morgan, 1993:30; Slantchev, 2005: 7; Issa, 2004: 203). این دو نوع بازدارندگی می‌توانند در ترکیب با دیگر اشکال بازدارندگی به کار روند، مانند کاربرد بازدارندگی گسترده فوری یا بازدارندگی گسترده جامع و بازدارندگی غیرمستقیم فوری یا بازدارندگی غیرمستقیم جامع.

بازدارندگی جامع به نظم منطقه‌ای غرب آسیا نیز قابل اطلاق است و نمونه آن مدل بازدارندگی حاکم بر رابطه ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس است. با وجود اینکه ایران همواره اعلام می‌کند که افزایش قدرت نظامی آن در جهت مدیریت و برقراری نظم و امنیت در منطقه است و قصد تجاوز به کشورهای همسایه را ندارد، اما کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس سعی در افزایش توان بازدارندگی خود در قبال ایران دارند، مانند بستن قراردادهای امنیتی دوجانبه با آمریکا و پشتیبانی این کشور از راهبرد بازدارندگی واحدهای پروتژ خود در مقابل ایران، به وسیله «تعهدات غیررسمی»<sup>۱</sup> و یا تشکیل نیروی «سپر جزیره» در نوامبر ۱۹۸۴ (Evron, 2012: 379; Buzan & Pelaez, 2009: 131).

نمونه نقش گروه‌های [پادسامانه‌ای] تدافعی در بازدارندگی جامع، تقویت مستمر حزب‌الله و گروه‌های مقاومت فلسطینی از سوی ایران است (Pifer, 2010: 40). در رابطه با نقش گروه‌های [پادسامانه‌ای] در بازدارندگی فوری، می‌توان به نقش حزب‌الله و گروه‌های مقاومت فلسطینی در بازداشتن آمریکا از حمله به سوریه در سال ۲۰۱۳ اشاره کرد. در این زمان هر لحظه احتمال حمله آمریکا به سوریه وجود داشت، اما با تهدید به تلافی توسط ایران، به عنوان واحد مدافع، به صورت بازدارندگی غیرمستقیم و نیز با استفاده از گروه‌های [پادسامانه‌ای] مقاومتی تحت حمایت خود، اوپاما تصمیم برای حمله به سوریه را به کنگره واگذار کرده و در نهایت آمریکا

#### 1. Informal Commitments

مجبور به اتخاذ «سیاست چشم‌پوشی»<sup>۱</sup> شده و از عمل به تهدید خود در قبال سوریه، به‌عنوان واحد پروتژ ایران منصرف شد (http://eaworldview.com/2013/08; Guiora, 2014: 53).

از نمونه‌های ناموفق بازدارندگی فوری توسط گروه‌های [پادسامانه‌ای] می‌توان به تهدید اردوغان توسط داعش مبنی بر اینکه «مواظب خودت باش» برای جلوگیری از حمله به مواضع داعش در عراق اشاره کرد (http://khabarfarsi.com/ext/13577128). نمونه دیگر تهدید عربستان توسط حزب‌الله و حوثی‌های یمن برای جلوگیری از حمله این کشور به یمن است که با شکست مواجه شده و به درگیری بین این گروه‌ها با عربستان منجر شده است.

#### گروه‌های پادسامانه‌ای و سامانه بازدارندگی کنش‌گر جمعی در منطقه غرب آسیا

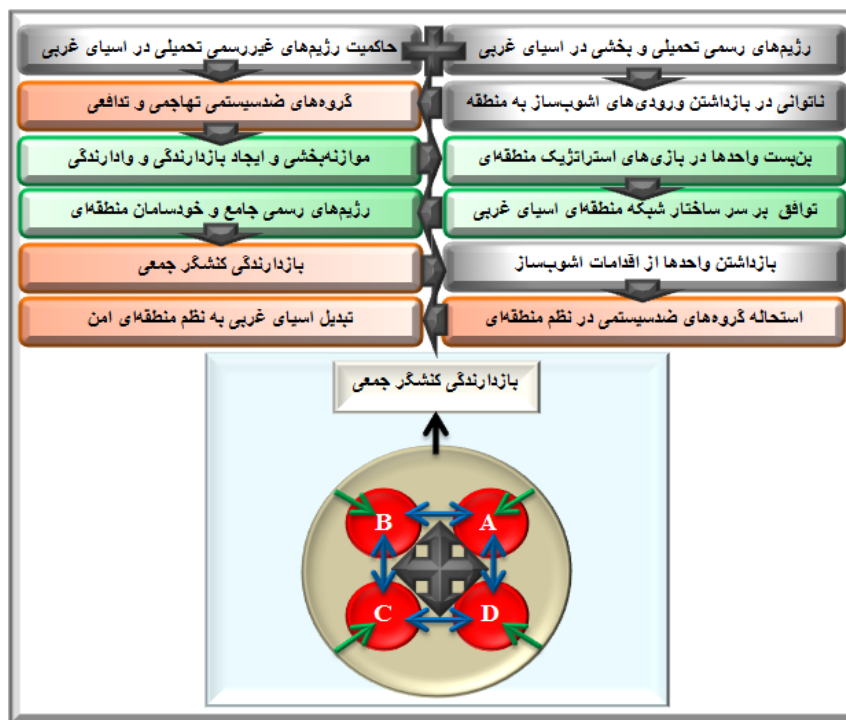
کنش‌گر جمعی<sup>۲</sup> به یک مجموعه از دولت‌ها که یک گروه را، با هدف گسترش رفاه عمومی و یا در مقابل، تنها در راستای خدمت به نیازها و منافع یک عضو، تشکیل می‌دهند، اطلاق می‌شود. سازمان‌های بین‌المللی یا «گروه‌های اختصاصی»<sup>۳</sup>، مانند گروهی که به مذاکره با ایران در مورد برنامه هسته‌ای اش پرداخته‌اند، از جمله کنش‌گران جمعی محسوب می‌شوند (Morgan, 2012: 94).

بازدارندگی کنش‌گر جمعی به‌معنای توان رژیم‌های رسمی جهانی یا منطقه‌ای در بازداشتن واحدهای نظام از تهدید یا اقدام به تهاجم علیه یکدیگر، از طریق ترس از رسوایی بین‌المللی و تنبیه دسته‌جمعی به‌وسیله مداخله یا تحریم است. در سطح جهانی، شورای امنیت ملل متحد، براساس فصل هفتم منشور ملل متحد، مهم‌ترین رژیمی است که از قدرت کافی برای بازداشتن واحدهای دولتی از تهدید صلح و امنیت بین‌المللی برخوردار است (Paul, Morgan & Wirtz, 2009: 16-17). اما واقعیت این است که عملکرد شورای امنیت در نظم منطقه‌ای غرب آسیا تابع منافع قدرت‌های بزرگ بوده است. این نوع بازدارندگی در غرب آسیا بارها با شکست مواجه شده است. برای نمونه، فصل هفتم منشور ملل متحد نتوانست مانع از حمله عراق به ایران و کویت شود و یا عربستان سعودی را از حمله به یمن باز دارد (McAlister, 2001: 236-237).

- 
1. Blind Eye
  2. Collective Actor
  3. Ad hoc Groups



از طرف دیگر، از آنجاکه رژیم‌های رسمی منطقه‌ای غرب آسیا، مانند شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی، تحمیلی و بخشی بوده و نیز بر پایه رژیم‌های غیررسمی بنیان نهاده نشده‌اند، از قابلیت مدیریت نظم و امنیت منطقه‌ای و بازداشتن واحدهای دولتی و غیردولتی منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای، از اقدامات تهاجمی برخوردار نیستند (Buzan & Pelaez, 2009: 117 - 136). این نوع بازدارندگی تنها زمانی که به وسیله قدرت بازدارنده واحدهای قدرتمند پشتیبانی شود موجب بازدارندگی می‌شود. به عبارتی تنها رژیم‌های رسمی مبتنی بر رژیم‌های غیررسمی از توان بازدارنده برخوردار هستند.



شکل ۸. کارکرد گروه‌های پادسامانه‌ای در سامانه بازدارندگی کنشگر جمعی در نظم منطقه‌ای غرب آسیا

در بحران کنونی غرب آسیا، گروه‌های پادسامانه‌ای نقشی اساسی در شکل‌دهی به ساخت موازنه قدرت و بازدارندگی منطقه‌ای دارند. در واقع گروه‌های پادسامانه‌ای با برخورداری از قدرت مخرب و قدرت سازنده و تجزیه و ترکیب شبکه‌های ژئوپولیتیکی، ژئواکونومیکی، ژئوکالچری و ژئواستراتژیکی منطقه‌ای موجب تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای و بازداشتن واحدهای منطقه‌ای رقیب و نیز قدرت مداخله‌گر از درگیری مستقیم با یکدیگر می‌شوند.

این منازعات و کالتی تا نقطه‌ای ادامه پیدا می‌کند که واحدهای دولتی رقیب به بن‌بست راهبردی برسند. نقطه بن‌بست راهبردی نقطه‌ای است که در آن واحدهای منطقه‌ای دو گزینه پیش روی خود دارند: یکی، درگیری در جنگ‌های منطقه‌ای، برای تعیین ساختار نظم منطقه‌ای و دیگری توافق بر سر ساخت شبکه‌ای، توزیع قدرت و سلسله‌مراتب قدرت موجود در نظم منطقه‌ای غرب آسیا. در صورت توافق واحدهای منطقه‌ای بر سر ایجاد رژیم‌های رسمی، مبتنی بر اصول سیاسی و رژیم‌های غیررسمی، رژیم‌ها و نهادهای حاصله از قدرت کافی برای بازداشتن واحدها، از تهدید نظم و امنیت منطقه‌ای برخوردار می‌شوند و بدین‌وسیله قادر به خنثی کردن ورودی‌های آشوب‌ساز و کنترل نظم و امنیت منطقه‌ای خواهند بود.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تا پیش از پایان جنگ سرد، منطقه غرب آسیا فاقد یک سامانه بازدارندگی بومی بود و فرایندهای منطقه‌ای حاصل عملکرد سامانه بازدارندگی جهانی بوده است. مهم‌ترین علت شکست سامانه بازدارندگی در این منطقه، عدم تقارن و ناهم‌جنسی قدرت بوده است، اما در عصر پس از جنگ سرد و با پیچیدگی نظم منطقه‌ای غرب آسیا گروه‌های پادسامانه‌ای تدافعی و تهاجمی به‌عنوان یکی از گزینه‌های متنوعی مطرح هستند که امکان عملکرد زیرسامانه‌های مختلف بازدارندگی پیچیده را در شرایط عدم تقارن و ناهم‌جنسی قدرت فراهم می‌کنند و از این‌رو فقدان همپایگی راهبردی، به‌عنوان یک اصل بازدارندگی کلاسیک، مانع از عملکرد سامانه بازدارندگی پیچیده نمی‌شود.

قابلیت‌های گروه‌های پادسامانه‌ای، از جمله استفاده از تله بازدارندگی امکان بازداشتن کنش‌گران دولتی دارای سلاح‌های متعارف و حتی هسته‌ای را فراهم می‌کند. همچنین،

برخورداری این گروه‌ها از قدرت سازنده و قدرت مخرب امکان شبکه‌سازی و بالطبع، عملکرد بازدارندگی شبکه‌ای را برای واحدهای دولتی حامی فراهم می‌کند. گروه‌های پادسامانه‌ای به‌عنوان سوپاپ اطمینان سامانه بازدارندگی مستقیم عمل کرده و مانع از درگیری مستقیم طرف‌های بازدارندگی می‌شود.

در رابطه با سامانه بازدارندگی گسترده و غیرمستقیم، قدرت مداخله‌گر از گروه‌های پادسامانه‌ای تهاجمی برای تأمین امنیت متحدان منطقه‌ای خود استفاده می‌کند و درمقابل واحد تجدیدنظرطلب منطقه‌ای از گروه‌های پادسامانه‌ای برای بازداشتن قدرت مداخله‌گر استفاده می‌کند. همچنین، گروه‌های پادسامانه‌ای از نقشی مهم در بازداشتن تهدیدات قریب‌الوقوع، در قالب بازدارندگی فوری و تداوم بازدارندگی جامع واحدهای دولتی برخوردار هستند. در نهایت، گروه‌های پادسامانه‌ای، با ایجاد بن‌بست راهبردی بین واحدهای متنازع منطقه‌ای، می‌توانند به اجماع واحدها بر تشکیل رژیم‌های جامع و خودسامان منطقه‌ای و بالطبع، عملکرد سامانه بازدارندگی کنش‌گر جمعی در نظم منطقه‌ای غرب آسیا منجر شوند. سامانه بازدارندگی کنش‌گر جمعی در گذار نظم منطقه‌ای غرب آسیا از منطقه آشوب به منطقه امن تعیین‌کننده است. در نتیجه، براساس مطالعات و تحقیقات انجام‌شده در این پژوهش این فرضیه تأیید می‌شود که گروه‌های پادسامانه‌ای موجب عملکرد سامانه بازدارندگی نظم منطقه‌ای غرب آسیا، در شرایط عدم تقارن و ناهمجنسی قدرت می‌شوند.

خروجی این مقاله بومی‌سازی و کاربری نظریات غربی بازدارندگی در نظم منطقه‌ای غرب آسیاست و این خروجی در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران قابل کاربری است. در این زمینه، گروه‌های مقاومت از نقشی تعیین‌کننده و هم‌افزا با دفاع موشکی در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی برخوردار هستند؛ امری که مزیت نسبی سیاست دفاعی ایران است. در این راستا، گروه‌های مقاومت به‌خوبی توانسته است خلأ بازدارندگی هسته‌ای در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی درمقابل بازدارندگی هسته‌ای رژیم صهیونیستی را پر کنند. همچنین، گروه‌های مقاومت نقشی تعیین‌کننده در برهم‌زدن نظم ناعادلانه مطلوب قدرت مداخله‌گر و واحدهای دست‌نشانده آن، مانند عربستان در عراق، سوریه و لبنان داشته‌اند. همین توان بازدارنده گروه‌های مقاومت رقبای جهانی و منطقه‌ای ایران، از جمله آمریکا و رژیم صهیونیستی

را، براساس راهبرد آینه‌ای، به سمت سازماندهی و تسلیح گروه‌های پادسامانه‌ای مزدور سوق داده که جنگ‌های نیابتی نامتقارن را در منطقه در پی داشته، جنگی که شکست قدرت مداخله‌گر و واحدهای دست‌نشانده منطقه‌ای آن را منجر شده است و جایگاه جمهوری اسلامی را در چرخه قدرت منطقه‌ای و جهانی و در گذار به نظم بومی و مستقل منطقه‌ای ارتقا داده است. براین اساس، پیشنهادهای پژوهشی و اجرایی زیر قابل ارائه است:

۱. پیشنهاد پژوهشی: از آنجا که مطالعات صورت گرفته در این حوزه بیشتر بر جنبه‌های منفی این کنش‌گران، تحت برجسب گروه‌های تروریستی، تمرکز دارند، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده بر جنبه‌های مثبت و کارکردی این کنش‌گران تمرکز کرده و به پرتوافکنی بر نقاط و زوایای مغفول در این حوزه بپردازند. در این زمینه، دو مسئله مهم یکی تمرکز بر کارکرد و وضعیت این کنش‌گران در روند رژیم‌سازی منطقه‌ای و جهانی، و دیگری مسئله شناسایی این کنش‌گران در نظم موجود و آینده جهانی است که پژوهش در هر دو موضوع می‌تواند به پذیرش موضوعیت و کارکرد این گروه‌ها در نظم جهانی تعین بخشد.

۲. پیشنهاد اجرایی: این پیشنهاد در دو سطح قابل طرح است؛ یکی در عرصه جهانی و منطقه‌ای که براساس آن، کنش‌گران دولتی و غیردولتی باید در روند رژیم‌سازی و نظم نوین جهانی و منطقه‌ای موضوعیت و کارکرد این کنش‌گران را مورد شناسایی قرار دهند. دیگری در سطح خردتر که مربوط به سیاست دفاعی و خارجی جمهوری اسلامی ایران است، پیشنهاد می‌شود که کاربست گروه‌های مقاومت در سیاست دفاعی، به‌عنوان یک مزیت، به‌خصوص در راهبردهای بازدارندگی، وادارندگی و موازنه‌بخشی سازماندهی شود و از ظرفیت دیپلماسی در سیاست خارجی در جهت توجیه حقوقی کاربست این گروه‌ها و شناسایی موضوعیت این گروه‌ها در رژیم‌سازی برای نظم نوین منطقه‌ای و جهانی استفاده شود.

### منابع

#### فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. داعش اردوغان را هم تهدید کرد: مراقب خودت باش!، ۱۳۹۴/۵/۱۰. <http://khabarfarsi.com/ext/13577128->
۳. فی، برایان (۱۳۸۹)، پارادایم‌شناسی علوم انسانی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۳)، نظریه‌های روابط بین‌الملل: سایبرنتیک و سیاست خارجی، تهران: میزان.
۵. قاسمی، فرهاد و عین‌الهی معصوم، بهرام (۱۳۹۵)، نقش و کارکرد گروه‌های ضدسیستمی در سیستم کنترل نظم منطقه آسیای غربی، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۴، ش ۲: ۱۱۹ - ۱۴۶.
۶. ماکیاولی، نیکولو (۱۳۹۳)، شهریار، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: نشر مصدق.
۷. نصرالله، سیدحسن (۱۳۹۴)، در روز روشن از روبرو کشتیم و گفتیم کار ما بود، ۱۳۹۴/۵/۵. <http://www.irinn.ir/news/79377/>

#### انگلیسی

1. Achen, Christopher & Duncan Snidal. 1989. "Rational Deterrence Theory and Comparative Case Studies", *World Politics*, Vol. 41, No. 2, PP. 143- 169.
2. Allison, Graham. 2017. *Destined for War: Can America and China Escape Thucydides's Trap*, Boston: Houghton Mifflin Harcourt.
3. Amiel, Saadia. 1978. "Deterrence by conventional forces", *Survival: Global Politics and Strategy*, Vol. 20, No. 2, pp. 58-62.
4. Anderson, Justin et. al. 2012. *Extended Deterrence and the Middle East*, Workshop Report, INSS (April).
5. Aron, Raymond. 1969. "The Evolution of Modern Strategic Thought", *The Adelphi Papers*, Vol. 9, No. 54, pp. 1-17.
6. Berejikian, Jeffrey. D. 2002. "A Cognitive Theory of Deterrence", *Journal of Peace Research*, Vol. 39, No. 2, pp. 165-183.
7. Brodie, Bernard. 1946. *The Absolute Weapon*, New York: Harcourt Brace
8. Brodie, Bernard. 1959. "The Anatomy of Deterrence", *Royal United Services Institution. Journal*, Vol. 104, No. 613, pp. 32-44.

9. Brodie, Bernard. 1966. *Escalation and the Nuclear Option*, Princeton: Princeton University Press.
10. Buzan, Barry, & Ana G. Pelaez. 2009. *International Society and the Middle East: English School Theory at the Regional Level*, New York: Palgrave Macmillan.
11. Davis, Paul K., and Michael Brian Jenkins. 2002. "Deterrence and influence in counterterrorism: A Component in the War on Al Qaeda", Santa Monica: RAND.
12. DeVore, Marc. 2011. "The United Kingdom's last hot war of the Cold War: Oman, 1963-75", *Cold War History*, First Published on: 12 February 2011.
13. Downs, George W. 1989. "The Rational Deterrence Debate", *World Politics*, Vol. 41, No. 2, pp. 225-237.
14. Evron, Yair. 2012. "Extended Deterrence in the Middle East", *Nonproliferation Review*, Vol. 19, No. 3, pp. 377-390.
15. Exum, Andrew. 2006. *Hizballah at War: A Military Assessment*, Washington, DC: Washington Institute for Near East Policy.
16. Gambill, Gary C. 1998. "The Balance of Terror: War by other Means in the Contemporary Middle East", *Journal of Palestine Studies*, Vol. 28, No. 1, pp. 51-66.
17. Ganor, Boaz. 2005. *The Counter-Terrorism Puzzle: A Guide for Decision Makers*, Rutgers: Transaction Publishers.
18. Garthoff, Raymond L. 1978. "Mutual Deterrence and Strategic Arms Limitation in Soviet Policy", *International Security*, Vol. 3, No. 1, pp. 112-147.
19. Garthoff, Raymond L. 1978-1979. "On Mutual Deterrence", *International Security*, Vol. 3, No. 3, pp. 200-201.
20. Goodman, Carly A. 2012. *A Network Approach to Nuclear Deterrence*, A thesis submitted to the faculty of the Graduate School of the Creighton University in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Master of Arts in the Department of International Relations.
21. Goodman, Hirsh, & Dore Gold. 2015. *The Gaza War 2014: The War Israel Did Not Want and the Disaster It Averted*, Jerusalem: Jerusalem Center for Public Affairs.
22. Gray, Colin. S. 1982. *Strategic Studies: A Critical Assessment*, Westport, CT: Greenwood Press
23. Guertner, Gray L. 2000. "Deterrence and Conventional Military Forces", *Small Wars & Insurgencies*, Vol. 11, No. 2, pp. 60-71.
24. Guiora, Amos N. 2014. *Modern Geopolitics and Security: Strategies for Unwinnable Conflicts*, Boca Raton: CRC Press.
25. Harkavy, Robert B. 1998. "Triangular or Indirect Deterrence Theory?", *Comparative Strategy*, Vol. 17, No. 1.
26. Harvey, Frank. 1995. "Rational Deterrence Theory Revisited: A Progress Report", *Canadian Journal of Political Science*, Vol. 28, No. 3, PP. 403- 436.
27. Huth, Paul. 1988. *Extended Deterrence and the Prevention of War*, New Haven: Yale University Press.
28. Issa, Alaa. 2004. "Regional Dynamics and Deterrence: The Middle East", *Contemporary Security Policy*, Vol. 25, No. 1, pp. 202-208.
29. Jerusalem Center for Public Affairs. 2007. *Iran, Hizbulah, Hamas and the Global Jihad: A New Conflict Paradigm for the West*.
30. Jervis, Robert. 1979. "Deterrence Theory Revisited", *World Politics*, Vol. 31, No. 2, pp. 289-324.
31. Jervis, Robert; Richard Lebow & Janice Gross Stein. 1985. *Psychology and Deterrence*, Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.

32. Khalidi, Rashid. 2009. *Sowing Crisis: The Cold War and American dominance in the Middle East*, Boston: Beacon Press.
33. Kober, Stanley. 1987. "Strategic Defense, Deterrence, and Arms Control", *The Washington Quarterly*, Vol. 10, No. 1, pp. 123-135.
34. Kumar, Arvind. 2007. *Theories of Deterrence and Nuclear Deterrence in the Subcontinent*, [http://eprints.manipal.edu/1397/1/India\\_Pakistan\\_Nuclear\\_Relation-Book-AK.pdf](http://eprints.manipal.edu/1397/1/India_Pakistan_Nuclear_Relation-Book-AK.pdf)
35. Lebow, Richard & Janice Gross Stein. 1989. "Rational Deterrence Theory: I Think Therefore I Deter", *World Politics*, Vol. 41, No. 2, 208- 224.
36. Lebow, Richard N. 2001. "Deterrence and Reassurance: Lessons from the Cold War", *Global Dialogue*.
37. Levite, Ariel E. 2010. "Reflections on Extended Deterrence in the Middle East", *FONDATION pour la RECHERCHE STRATEGIQUE, Perspectives on Extended Deterrence Researches & Documents N° 03/2010*, pp. 59-64.
38. Long, Austin. 2008. *Deterrence\_ from Cold War to Long War*, RAND Corporation.
39. Lowther, Adam B. 2012. *Deterrence: Rising Powers, Rogue Regimes, and Terrorism in the Twenty-First Century*, New York: Palgrave Macmillan.
40. Lupovici, Amir. 2010. "The Emerging Fourth Wave of Deterrence Theory - Toward a New Research Agenda", *International Studies Quarterly*, Vol. 54, No. 3, PP. 705- 732
41. Malka, Amos. 2008. *Israel and Asymmetrical Deterrence*, Herzliya: Institute for Policy and Strategy.
42. Masala, Carlo. 2012. "Extended Deterrence in the Middle East: A Fuzzy Concept that Might Work?", *Strategic Assessment*, Vol. 14, No. 4, pp. 115-122.
43. McAlister, Melani. 2001. *Epic Encounters Culture, Media and U.S. Interests in the Middle East, 1945-2000*, California: University of California Press.
44. Mearsheimer, John J. 1985. *Conventional Deterrence*, New York: Cornell University Press.
45. Mohan, Raja. 1986. "The Tragedy of Nuclear Deterrence", *Social Scientist*, Vol. 14, No. 4, pp. 3-19.
46. Morgan, Patrick M. 1977. *Deterrence: A Conceptual Analysis*, Beverly Hills, CA: Sage Publications.
47. Morgan, Patrick M. 1978. "Deterrence: A Conceptual Analysis", Review by: Lawrence Freedman, *International Affairs (Royal Institute of International Affairs 1944-)*, Vol. 54, No. 3, pp. 463-464.
48. Morgan, Patrick M. 1993. *Deterrence Now*, Cambridge: Cambridge University Press.
49. Morgan, Patrick M. 2012. "The State of Deterrence in International Politics Today", *Contemporary Security Policy*, Vol. 33, No. 1, pp. 85-107.
50. Oswald, Julian. 1993. "Conventional Deterrence and Military Diplomacy", *The RUSI Journal*, Vol. 138, No. 2, pp. 29-30.
51. Paul, T. V.; Patrick M. Morgan, & James J. Wirtz. 2009. *Complex Deterrence: Strategy in Global Age*, Chicago and London: The University of Chicago Press.
52. Payne, Keith B. 1986. "The Deterrence Requirement for Defense", *The Washington Quarterly*, Vol. 9, No. 1, pp. 137-154.
53. Payne, Keith B. 1995. "Post-cold War Deterrence and Missile Defense", *Orbis (Elsevier)*, Vol. 39, No. 2, pp. 201-223.
54. Pifer, Steven et. al. 2010. "U.S. Nuclear and Extended Deterrence: Considerations and Challenges", *Brooking, Arms Control Series, Paper 3*, (May).

55. Quackenbush, Stephen L. 2006. "Not Only Whether but Whom: Three-party Extended Deterrence", *Journal of Conflict Resolution*, Vol. 50, No. 4, pp. 562-583.
56. Salisbury, Peter. 2015. *Yemen and the Saudi-Iranian 'Cold War'*, London: The Royal Institute of International Affairs Chatham House.
57. Scheber, Thomas. 2011. "Evolutionary Psychology, Cognitive Function, and Deterrence", *Comparative Strategy*, Vol. 30, No. 5, 453-480.
58. Schelling, Thomas. C. 1966. *Arms and Influence*, New Haven, CT: Yale University Press.
59. Schweller, Randall L. 2010. "Entropy and the trajectory of world politics: why polarity has become less meaningful", *Cambridge Review of International Affairs*, Vol. 23, No. 1, pp. 145-163.
60. Slantchev, Bratislav L. 2005. "Introduction to International Relations Lecture 8: Deterrence and Compellence", Department of Political Science, University of California-San Diego (May 2).
61. Snyder, Glenn H. 1961. *Deterrence and Defense: Toward a Theory of National Security*, Princeton: Princeton University Press.
62. Spainer, John. 1981. *Games Nations Play: Analyzing International Politics*, New York: Holt, Rinehart and Winston.
63. Steinbruner, John. 1976. "Beyond Rational Deterrence: The Struggle for New Conceptions", *World Politics*, Vol. 28, No. 2, PP. 223-245.
64. Toukan, Abdullah, & Anthony H. Cordesman. 2011. "The Iranian Nuclear Challenge: GCC Security, Risk Assessment, and US Extended Deterrence", *Center For Strategic & International Studies* (February).
65. Trager, Robert K., Dessislava P. Zagorcheva. 2005. "Deterring Terrorism: It Can Be Done". *International Security*, Vol. 30 No. 3, PP. 87-123.
66. Vinci, Anthony. 2009. *Armed Groups and the Balance of Power: The International Relations of Terrorists, Warlords and Insurgents*, New York: Routledge, Taylor & Francis Group.
67. Waltz, Kenneth N. 1981. *The Spread of Nuclear Weapons: More May Be Better*, Adelphi Paper, No. 171, London: International Institute of Strategic Studies.
68. Wohlstetter, Roberta. 1961. "The Delicate Balance of Terror", *Foreign Affairs*, Vol. 37, No. 2, PP. 211-234
69. Zagare, Frank C. 1990. "Rationality and Deterrence", *World Politics*, Vol. 42, No. 2, PP. 238- 260.
70. Zagare, Frank C. 2004. "Reconciling Rationality with Deterrence: A Re-Examination of the Logical Foundations of Deterrence Theory", *Journal of Theoretical Politics*, Vol. 16, No. 2, PP. 107-141.
71. Zagare, Frank C., & Marc D. Kilgoure. 1993. "Asymmetric Deterrence", *International Studies Quarterly*, Vol. 37, pp. 1-27.
72. Zagare, Frank C, & Marc D. Kilgoure. 2000. *Perfect deterrence*, London: Cambridge University Press.